



فرصت‌ها و چالش‌های هنر تیاتر در افغانستان در دو دهه‌ی اخیر

نامزد پوهنپار مطیع‌الله رحیمی^۱، پوهنوال مجتبی عارفی^۲

^۱دپارتمنت تیاتر، پوهنځی هنر‌ها زیبا، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

^۲دپارتمنت بشرشناسی و باستان‌شناسی، پوهنځی علوم اجتماعی، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

ایمیل: matiullahrahimi@ku.edu.af

چکیده

این تحقیق با عنوان به بررسی تحولات، فرصت‌ها و موانع پیش‌روی این هنر پرداخته است. اهمیت این تحقیق در شناخت جایگاه تیاتر، تأثیر آن بر جامعه و ارائه راه‌کارهایی برای توسعه و تقویت آن نهفته است. هدف تحقیق، تحلیل فرصت‌های ایجادشده، شناسایی چالش‌های اساسی و پیش‌نهاد راه‌کارهایی برای بهبود وضعیت هنر تیاتر در افغانستان است. روش تحقیق به‌صورت کیفی و کمی بوده که شامل مصاحبه با هنرمندان تیاتر، بررسی اسناد، گزارش‌ها و تحلیل داده‌های تجربی می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نبود زیرساخت‌های مناسب، کمبود منابع مالی و نبود برنامه‌های فرهنگی از چالش‌های اصلی این هنر هستند. در مقابل، برگزاری جشنواره‌های ملی و بین‌المللی، گسترش آموزش هنر تیاتر و حمایت‌های بنیادی فرصت‌های مناسبی برای توسعه تیاتر فراهم کرده‌اند. این تحقیق می‌تواند در ارتقای جایگاه تیاتر و رفع چالش‌های آن در افغانستان مؤثر باشد.

واژه‌های کلیدی: تیاتر؛ چالش‌ها؛ فرصت‌ها؛ وضعیت تیاتر افغانستان

Opportunities and Challenges of Theatre Art in Afghanistan Over the Past Two Decades

Matiullah Rahimi¹, Mujtaba Arify²

¹Department of Theatre, Faculty of Fine Arts, Kabul University, Kabul, Afghanistan

²Department of Anthropology and Archaeology, Faculty of Social Sciences, Kabul University, Kabul, Afghanistan

Email: matiullahrahimi@ku.edu.af

Abstract

This research explored the developments, opportunities, and obstacles facing the art of theatre in Afghanistan. The significance of the study lies in understanding the role of theater, its impact on society, and offering strategies for its development and enhancement. The research aimed to analyze emerging opportunities, identify significant challenges, and propose solutions to improve the status of theater art in Afghanistan. The research employed both qualitative and quantitative methods, including interviews with theater artists, examination of documents and reports, and analysis of empirical data. The findings indicated that the lack of proper infrastructure, insufficient financial resources, and the absence of cultural programs are among the primary challenges facing the theater. On the other hand, the organization of national and international festivals, the expansion of theater education, and foundational support have created valuable opportunities for the development of theater. This research can contribute to elevating the status of theater and addressing its challenges in Afghanistan.

Keywords: Challenges; Opportunities; Status of Theater in Afghanistan; Theater

مقدمه

هنر تیاتر یکی از شاخه‌های تأثیرگذار هنرهای نمایشی به‌شمار می‌رود که در انتقال مفاهیم فرهنگی، بازتاب مسائل اجتماعی و ارتقای آگاهی جمعی جوامع نقش کلیدی دارد. این هنر نه تنها وسیله‌ای برای سرگرمی، بلکه ابزاری قدرتمند برای آموزش، نقد اجتماعی و پاسداری از هویت فرهنگی محسوب می‌شود (کارلسون، ۲۰۱۸). در بسیاری از کشورها، تیاتر توانسته جایگاه خود را در میان اقشار مختلف جامعه تثبیت کند و به‌عنوان یک نهاد فرهنگی نهادینه شود.

با وجود قدمت چندین‌ساله تیاتر در افغانستان، این هنر هنوز نتوانسته است جایگاه واقعی خود را در ساختار فرهنگی و اجتماعی کشور بیابد. در حالی که در دو دهه‌ی اخیر، فرصت‌های مناسبی برای رشد و گسترش تیاتر به‌وجود آمد، اما استفاده‌ی مؤثر از این فرصت‌ها صورت نگرفت (بر اساس دیدگاه بارفیلد، ۲۰۱۰). مشکلاتی همچون نبود حمایت بنیادی، محدودیت‌های فرهنگی، کمبود زیرساخت‌ها و عدم تولید محتوا خوب، از مهم‌ترین چالش‌هایی هستند که رشد این هنر را با مانع روبرو کرده‌اند.

پرسشی که در این زمینه قابل طرح است، این است که چرا با وجود فراهم بودن فرصت‌ها در سال‌های اخیر، اقدامات لازم برای نهادینه‌سازی و توسعه‌ی تیاتر در افغانستان انجام نشده است؟ آیا موانع ساختاری، فرهنگی یا مدیریتی عامل این رکود بوده‌اند؟ تحقیق حاضر تلاشی است برای بررسی عمیق فرصت‌ها و چالش‌هایی که طی بیست سال گذشته پیش‌روی هنر تیاتر در افغانستان قرار داشته‌اند. هدف این تحقیق، شناسایی موانع، تحلیل عوامل بازدارنده و ارائه‌ی راهکارهای عملی برای ارتقای این هنر در بستر فرهنگی و اجتماعی کشور می‌باشد.

اهمیت انجام این تحقیق از چند جهت قابل بررسی است: نخست آن‌که تیاتر نقش مهمی در تقویت هویت فرهنگی ایفا می‌کند و از فراموشی ارزش‌ها و سنت‌های هنری جلوگیری می‌نماید دوم، این هنر با بازتاب مسائل اجتماعی، می‌تواند در ارتقای آگاهی عمومی و تقویت انسجام اجتماعی نقش ایفا کند. سوم، از دیدگاه آموزشی، تیاتر ابزاری مؤثر برای پرورش خلاقیت، تفکر انتقادی و مهارت‌های ارتباطی است. و در نهایت، از منظر اقتصادی، رشد و گسترش تیاتر می‌تواند به ایجاد اشتغال، جذب سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی گردشگری فرهنگی منجر شود (رحیمی، ۱۴۰۳).

بنابراین، انجام این تحقیق نه تنها به درک بهتر و وضعیت فعلی تیاتر در افغانستان کمک می‌کند، بلکه می‌تواند گامی مؤثر در جهت احیای این هنر ارزشمند و بسترسازی برای نقش آفرینی گسترده‌تر آن در توسعه‌ی فرهنگی کشور باشد.

تحقیق حاضر در صدد آن است که به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. چه فرصت‌ها و چالش‌هایی در هنر تیاتر افغانستان در دو دهه‌ای اخیر وجود داشته است؟
۲. چگونه پوهنخی هنرهای زیبا در دو دهه‌ی اخیر برای ایجاد فرصت‌های هنری تیاتر تلاش کرده است؟
۳. در دو دهه‌ی اخیر مهم‌ترین چالش‌هایی که به هنر تیاتر افغانستان تاثیر منفی گذاشته است کدام‌ها بوده اند؟
۴. چگونه رسانه‌ها از هنر تیاتر برای بازتاب تغییر نگرش‌های جامعه در افغانستان استفاده کرده‌اند؟

پیشینه و مبانی نظری

«اصطلاح تیاتر از واژه‌ی یونانی (تیاترون) به معنای محل تماشا یا تماشاخانه برآمده است و به مکانی گفته می‌شود که در آن رویدادی واقعی یا تخیلی گذشته، در زمان حال و در برابر چشم تماشاگران بازسازی شود و به نمایش گذاشته شود» (پازوکی، ۱۳۸۹، ص ۶).

منظور از تیاتر یک مجموعه‌ی هنری یا یک نظام سازمان‌یافته هنری است که بیش از هر چیز به متن یا نمایش‌نامه و سپس به کارگردان نیاز دارد و شامل بازیگری، صحنه‌آرایی، میکاژ، موسیقی، سخن‌وری، نورپردازی، نقاشی، معماری و مانند این‌هاست. تیاتر یکی از هنرهای هفت‌گانه است و از آیین‌های مذهبی سرچشمه می‌گیرد. تیاتر یک هنرنمایشی است و پنج قرن قبل از میلاد در آتن و روم باستان به وجود آمد و سپس در آثار قرون وسطی، رنسانس و بعد در عصر-جدید اروپا ادامه یافت. تیاتر یک رسم آیینی‌ست و همانند هر رسم دیگر دارای هدفی می‌باشد و روش خاصی برای رسیدن به این هدف نیز دارد. اگر اصالت این روش حفظ نشود، انگیزه‌ی اصلی این مراسم که شاید بتوان به طور خلاصه، آن‌را دست‌یافتن به یک مرحله‌ی خاص آگاهی‌نامید، ویژگی خود را از دست خواهد داد (پروانه مژده، ۱۳۶۷ شماره ۲، ص ۱).

بیش‌تر محققان معتقدند که نمایش، پیش از تاریخ و به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای ابتدایی و روزمره‌ی انسان‌های نخستین آغاز شده است. اما به‌دلیل طلوع فرایند شکل‌گیری نمایش پیش از اختراع خط و آغاز تاریخ نوشتاری و عدم دست‌رسی به مدارک فراوان و قابل استناد محققان در مورد پیشینه‌ی نمایش تا حدود زیاد با حدس و گمان اظهار عقیده کرده‌اند.

دیدگاه ارسطو در باب وجه تقلیدی هنر نمایش بیش از دو هزار سال پیش در رساله‌ی فن شعر می‌نویسد: تقلیدکردن، غریزه‌ای است که از کودکی در انسان ظاهر می‌شود و یکی از امتیازات بشر بر

سایر حیوانات پست‌تر، در آن‌ست که وی مقلدترین مخلوقات جهان است و نخستین دانسته‌های خود را از راه تقلید فرا می‌گیرد. هم‌چنین همه مردم طبیعتاً از کارهای تقلیدی لذت می‌برند. زیرا هرچند که دیدن برخی چیزها شاید دردناک و نامطبوع باشد، لیکن تقلید دقیق آن‌ها در هنر در نظر ما لذت‌بخش خواهد بود (پازوکی، ۱۳۸۹ ص ۱۱).

براین اساس پیروان این نظریه براین باورند که نمایش از تقلید رفتار و صدای اشخاص، حرکات ضربی و پانتومیم پیدا شده و سپس صیقل یافته و تزیین شده تا در نهایت به شکل اصلی نمایش درآمده است.

«ویل دورانت درباره‌ی پیدایش تیاتر چنین می‌نگارد: «انسان از ترکیب آواز و اشخاص، هنر نمایش را ابداع کرد. درین مردم اولیه، حرکات بیش‌تر اوقات حالت تقلیدی داشته و از حرکات شکار پیدا شده است، اما رفته‌رفته مفاهیم و معناهای خاصی را بیان می‌کردند و افعال و حوادث انسان‌ها زنده‌گی را موضوع تقلید قرار می‌دادند» (دورانت، ۱۳۷۷ ص ۳).

روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و اهداف تحقیق، تحقیق حاضر از نوع تحقیق مختلط از تحقیق کمی و کیفی جمع‌آوری اطلاعات بوسیله پرسش‌نامه و مصاحبه با هنرمندان می‌باشد، در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات از دو نوع پرسش‌نامه‌ی معیاری زمانی که دارای ۲۲ سوال می‌باشد این پرسش‌نامه به‌منظور سنجش میزان انگیزش هنری در میان افراد فعال در عرصه هنر طراحی شده است. مقیاس پاسخ‌دهی به‌صورت لیکرت پنج‌گزینه‌ای از «خیلی کم» تا «خیلی زیاد» می‌باشد، که شدت احساس یا تمایل پاسخ‌دهنده نسبت به هر عبارت را می‌سنجد (Taherdoost, 2019).

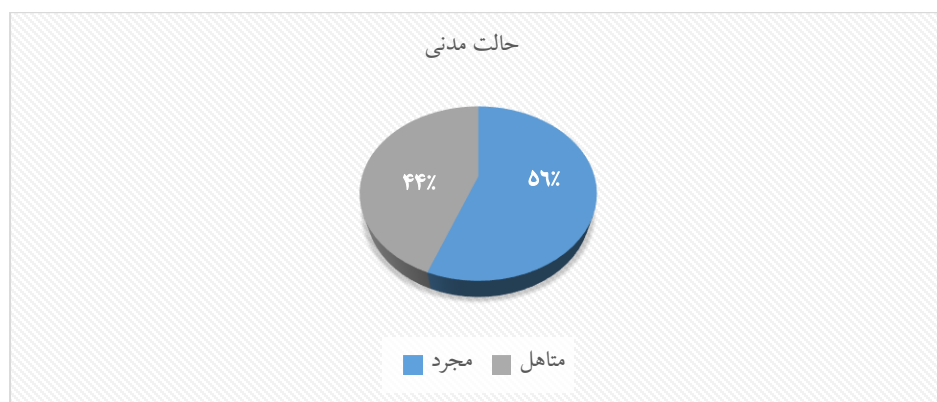
و همچنان در این تحقیق برای سنجش نگرش پاسخ‌دهندگان از پرسش‌نامه مقیاس لیکرت پنج‌گزینه‌ای که دارای ۸ سوال است استفاده صورت گرفته. مقیاس لیکرت یکی از رایج‌ترین ابزارهای اندازه‌گیری در علوم اجتماعی است که برای سنجش نگرش‌ها، احساسات و ادراکات افراد نسبت به یک موضوع خاص کاربرد دارد (Likert, 1932).

جامعه آماری کوچک تحقیق شامل محصلین فارغ‌شده رشته‌ی تیاتر، استادان پوهنخی هنرهای زیبا، هنرمندان آمريت تياتر ملی، هنرمندان تلویزیون ملی و هنرمندانی که در موسسه‌ی فرهنگی نمارسانه مصروف فعالیت‌های هنری می‌باشند که تعدادشان به (۱۰۶) نفر می‌رسد و نظر به فورمول کوکران که با خطا ۵٪ و اطمینان ۹۵٪ بعد از محاسبه جامعه آماری کوچک به (۸۶) نفر رسید که بعد از توزیع پرسش‌نامه‌ها به تعداد (۸۶) پرسش‌نامه دوباره جمع‌آوری گردید که این جمعیت‌نهایی مورد مطالعه‌ی

این تحقیق می‌باشد، نمونه‌گیری یکی از مراحل تحقیق علمی و عملی است و به محقق این امکان را می‌دهد که با صرف امکانات کمتر به نتایج بهتر دست یابد. انتخاب افراد نمونه از میان اعضای یک جامعه تعریف شده انتخاب می‌شود که پس از مشخص شدن جامعه‌ی آماری لازم است با استفاده از روش مناسب اقدام به نمونه‌گیری شود، روش نمونه‌گیری در این تحقیق طبقه‌بندی می‌باشد چون جامعه‌ی آماری در این تحقیق کم است. همچنین نظر به شرایط اکثر هنرمندان به خارج از کشور سفر کرده‌اند و نظر به عدم دسترسی به هنرمندان طبقه‌ی اناث جامعه‌ی آماری ما کوچک مد نظر گرفته شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات این تحقیق از طریق نرم افزار کمپیوتری SPSS ورژن ۲۷ انجام شده است.

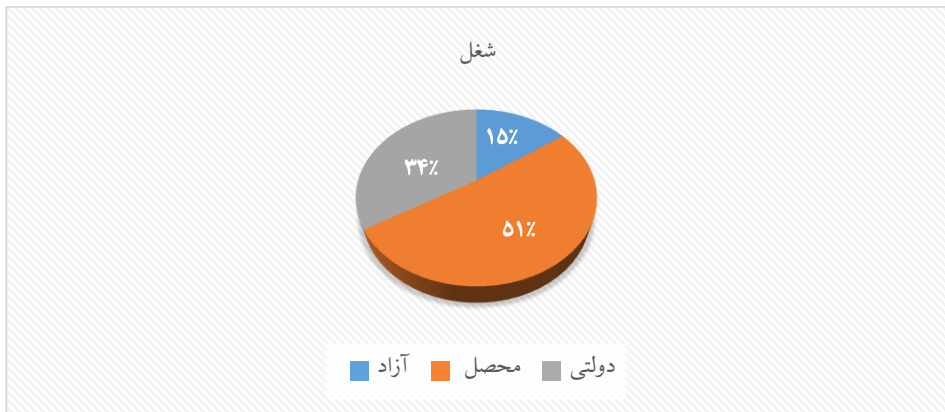
یافته‌ها

با توجه به شکل (۱) بررسی توصیفی مشخصات فردی پاسخ دهنده‌گان نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که (۵۵,۸٪) از پاسخ دهنده‌گان مجرد و (۴۴,۲٪) آنها متاهل می‌باشند و اکثریت پاسخ دهنده‌گان را افراد مجرد تشکیل می‌دهد این امر می‌تواند نشان دهد که تاثیر متفاوت و وضعیت مدنی بر نگرش افراد جامعه نسبت به هنر تیاتر و تحلیل دیدگاه‌ها و چه‌گونگی تأثیرگذاری عوامل مختلف بر مشارکت در فعالیت‌های هنری از جمله تیاتر نقشی مهمی را ایفا کند.



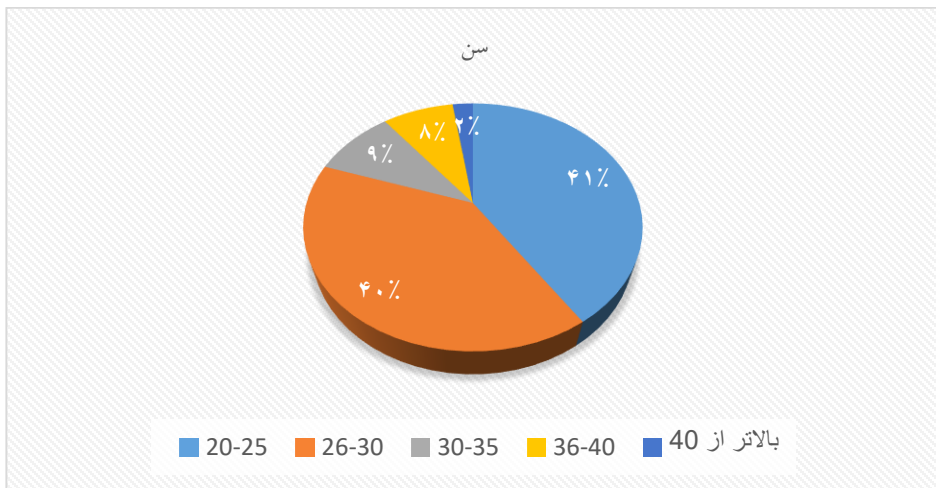
شکل ۱: تحلیل نتایج حالت مدنی پرسش دهنده‌گان

با توجه به شکل (۲) وضعیت شغلی پاسخ دهنده‌گان نیز مورد بررسی قرار گرفته و نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که (۵۱,۲٪) در بخش دولتی مشغول کارهای هنری هستند، در حالی که (۳۳,۷٪) را محصلان و (۱۵,۱٪) را افرادی با شغل آزاد تشکیل می‌دهد این توزیحات نشان دهنده سهم بالای کارمندان دولتی و محصلین در میان پاسخ دهنده‌گان است که می‌تواند بر دیدگاه‌های آنان نسبت به فرصت‌ها و چالش‌های هنر تیاتر در افغانستان در دو دهه‌ی اخیر تأثیرگذار باشد و درک این تفاوت‌های شغلی می‌تواند به تحلیل بهتر نتایج کمک کننده باشد.



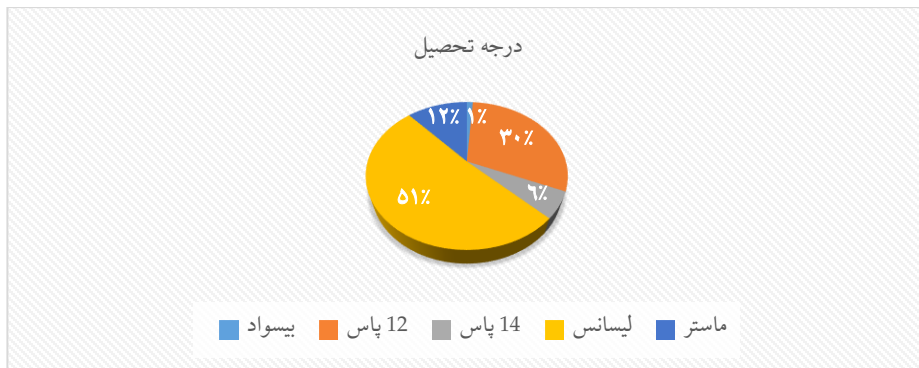
شکل ۲: تحلیل نتایج شغل پرسش دهنده گان

با توجه به شکل (۳) توزیع سنی پاسخ دهنده گان نیز از جمله مشخصات فردی محسوب شده و اطلاعات نتایج نشان می دهد (۴۰,۷%) در رده ی سنی ۲۰ تا ۲۵ سال قرار دارند و (۳۹,۵%) افراد در رده سنی ۲۶ تا ۳۰ سال هستند به طور کلی این دو تعدادی سنی مجموعاً (۸۰%) فیصد را تشکیل می دهد. همچنین (۹,۳%) در سن ها ۳۱ تا ۳۵ سال (۸,۱%) در رده های سنی ۳۶ تا ۴۰ و (۲,۳%) بالاتر ۴۰ سال سن دارند. این یافته های سنی نشان دهنده ی تمرکز بالای پاسخ دهندگان در تعدادی سنی جوان تر است که می تواند نشان دهنده ی دیدگاه ها و تجربیات آنها در زمینه ی هنر تیاتر افغانستان و چالش های آن تأثیرگذار باشد و این اطلاعات برای ما کمک می کند تا به نتایج بهتر از تحلیل چه گونه ی ارتباط سن با نگرش ها و دیدگاه های متفاوت مربوط به هنر تیاتر در افغانستان باشد.



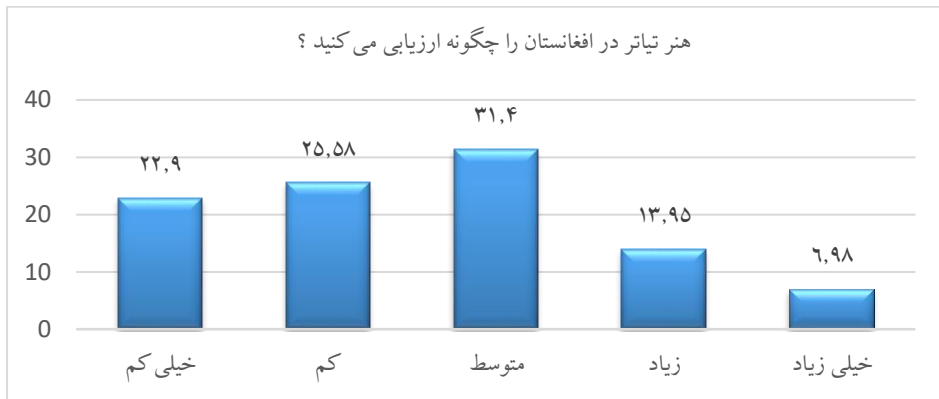
شکل ۳: تحلیل نتایج سن پرسش دهنده گان

با توجه به شکل (۴) درجه‌ی تحصیل (۵۱,۲٪) لیسانس هستند که بیش‌ترین درصد را به خود اختصاص داده است، (۱۱,۶٪) در بخش هنری سند ماستری دارند (۳۰,۲٪) فارغ صنف دوازده، (۵,۸٪) ۵. فارغ صنف چهارده و فقط (۱,۲٪) شرکت‌کننده‌گان در این نظرسنجی بی‌سواد می‌باشند. این اطلاعات نشان‌دهنده‌ی سطح تحصیل نسبتاً بالا در میان جامعه آماری نشان‌دهنده‌ی نظریات و تجربیات آنها در زمینه‌ی این هنر و چالش‌های آن تأثیر بگذارد، زیرا افراد با تحصیلات بالاتر احتمالاً درک بهتری از مسایل اجتماعی و فرهنگی داشته باشند.



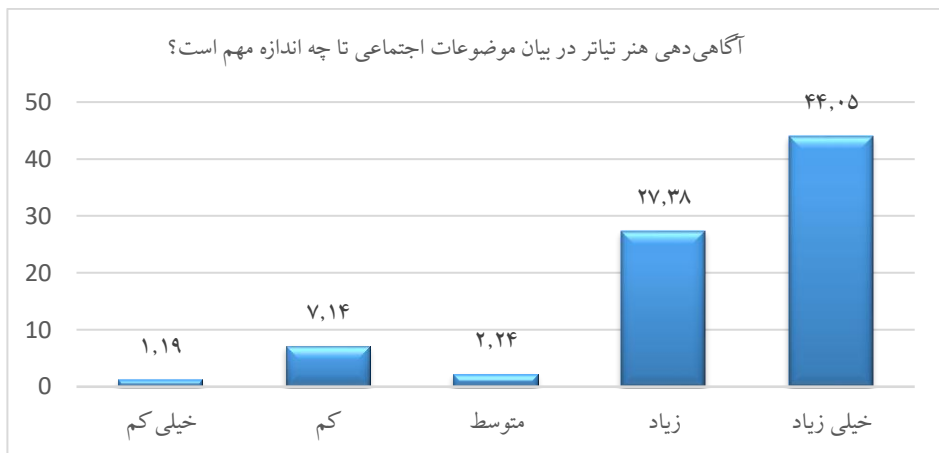
شکل ۴: تحلیل نتایج درجه تحصیل پاسخ‌دهندگان

با توجه به شکل (۵) نتایج بدست آمده از تحلیل (۳۱,۴٪) و وضعیت تیاتر در افغانستان را متوسط تحلیل کرده که بالاترین درصد را در میان گزینه‌های دیگر دارد همچنین (۲۵,۶٪) و وضعیت تیاتر را کم و (۲۲,۱٪) خیلی کم تحلیل کرده به علاوه (۱۴٪) و وضعیت هنر تیاتر در افغانستان را زیاد و (۷٪) خیلی زیاد دانسته‌اند. این اطلاعات نشان‌دهنده آن است که نظریات در مورد وضعیت هنر تیاتر در افغانستان به طوری کلی مثبت نبوده و بیشتر پاسخ‌دهنده‌گان از وضعیت فعلی آن رضایت ندارند و درصد بالای خیلی کم و کم دانسته و نشان‌دهنده‌ی چالش‌های موجود در این حوزه می‌باشد از طرفی در صد کمتری و وضعیت تیاتر را مثبت دانسته که می‌تواند به موجودیت فرصت‌های در این هنر اشاره داشته باشد.



شکل ۵: تحلیل نتایج پرسش ۱

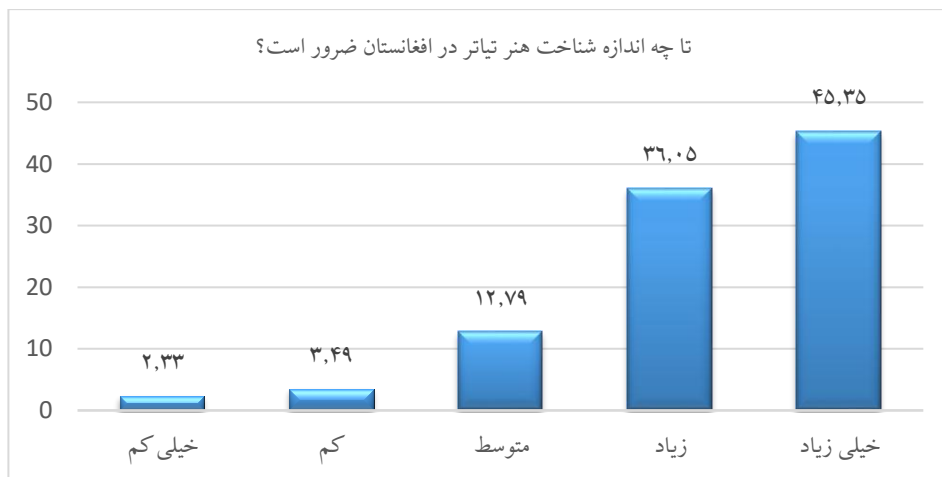
با توجه به شکل (۶) نتایج بدست آمده در بررسی اهمیت آگاهی دهی هنر تیاتر در بیان موضوعات جامعه نشان می دهد (۴۳%) در پاسخ به این پرسش خیلی زیاد و زیاد تحلیل کرده همچنین (۲۶,۷%) برای این باور اند که این نقش زیاد است به علاوه (۱۹,۸%) از افراد نظر خود را متوسط و (۷%) کم بیان کرده اند در نهایت (۱,۲%) اهمیت این موضوع را خیلی کم میدانند این نتایج نشان میدهد که آگاهی بالای افراد نسبت نقش مثبت تیاتر در آگاهی دهی موضوعات اجتماعی جامعه است در صدی بالای پاسخ دهنده گان که تیاتر را به عنوان ابزاری برای بیان مسایل اجتماعی مهم دانسته اند می توانند به فرصت هایی برای توسعه و ترویج این هنر در جامعه ی ما اشاره داشته باشد.



شکل ۶: تحلیل نتایج پرسش ۲

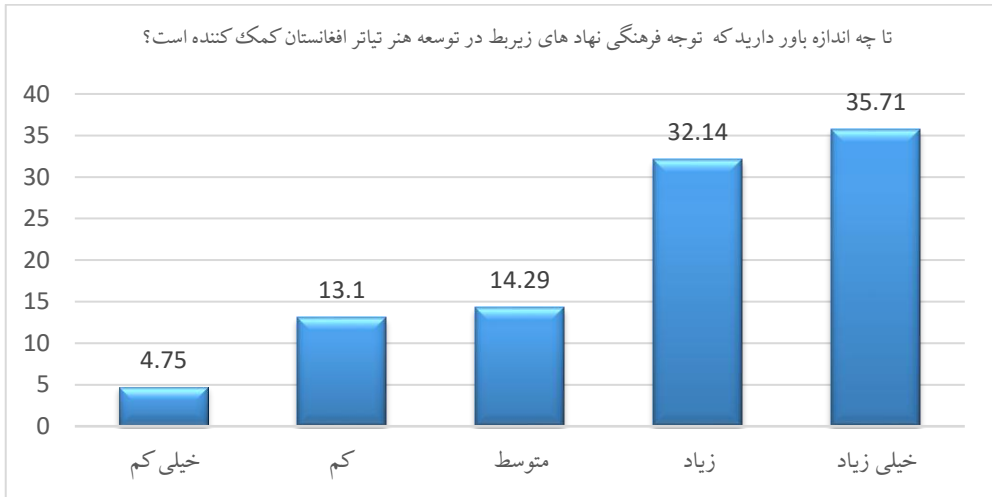
با توجه به شکل (۷) در بررسی اهمیت شناخت هنر تیاتر در افغانستان، نتایج نشان می دهد که (۴۵,۳%) اهمیت این هنر را خیلی زیاد تحلیل کرده اند. (۳۶%) از افراد بر این باورند که شناخت

هنر تیاتر زیاد است. (۱۲,۸%) نظر خود را متوسط و (۳,۵%) کم بیان کرده‌اند. تنها (۲,۳%) افراد اهمیت این موضوع را خیلی کم دانسته‌اند. این یافته نشان‌دهنده‌ی آگاهی و تحلیل مثبت پاسخ‌دهندگان نسبت به ضرورت شناخت هنر تیاتر در افغانستان است. درصد بالای افرادی که اهمیت این هنر را زیاد و خیلی زیاد می‌دانند، می‌تواند به نیاز جامعه به ترویج و ارتقاء هنر تیاتر اشاره کند. این نتایج همچنین نشان می‌دهد که تیاتر می‌تواند به عنوان یک ابزار مؤثر در ارتقاء فرهنگی و اجتماعی در افغانستان عمل کند و در نتیجه، شناخت بیشتر این هنر ضروری است.



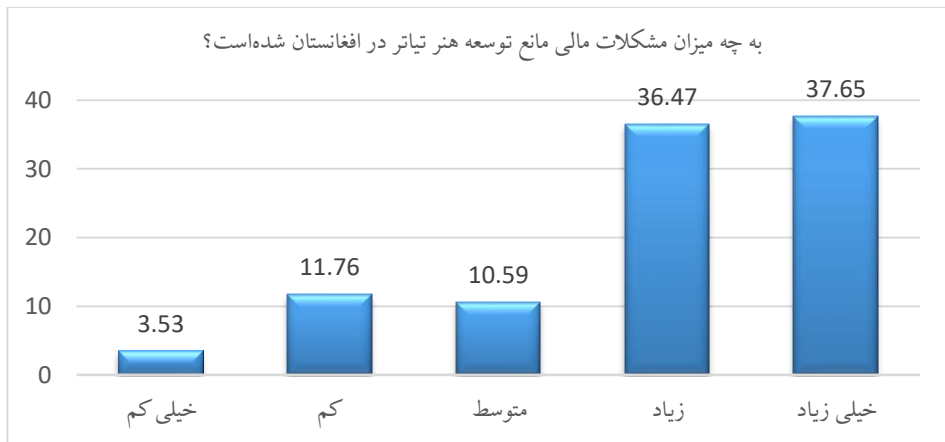
شکل ۷: تحلیل نتایج پرسش ۳

با توجه به شکل (۸) درباره تأثیر توجه نهادهای زیربند در توسعه‌ی هنر تیاتر افغانستان نتایج نشان می‌دهد که (۳۵,۷۱%) از افراد خیلی زیاد به این موضوع اعتقاد دارند که حمایت فرهنگی می‌تواند مفید باشد. (۳۲,۱۴%) از پاسخ‌دهندگان به این باور هستند که توجه نهادهای زیربند در این زمینه اهمیت زیاد دارد، در عین حال (۱۴,۲۹%) این موضوع را متوسط تحلیل کرده و (۱۳,۱%) نظر خود را کم بیان کرده‌اند. تنها (۴,۱%) از پاسخ‌دهندگان به این نکته اشاره کرده‌اند که توجه نهادهای زیربند به توسعه‌ی هنر تیاتر خیلی کم است. این نتایج نشان می‌دهد که اکثریت بر این باورند که حمایت و توجه نهادهای زیربند به هنر تیاتر می‌تواند به توسعه و پیشرفت این هنر در افغانستان کمک کند. درصد بالای افرادی که اهمیت این موضوع را زیاد و خیلی زیاد تحلیل کرده‌اند، می‌تواند نشان‌دهنده‌ی نیاز به اقدامات جدی و مؤثر در جهت تقویت هنر تیاتر در کشور باشد.



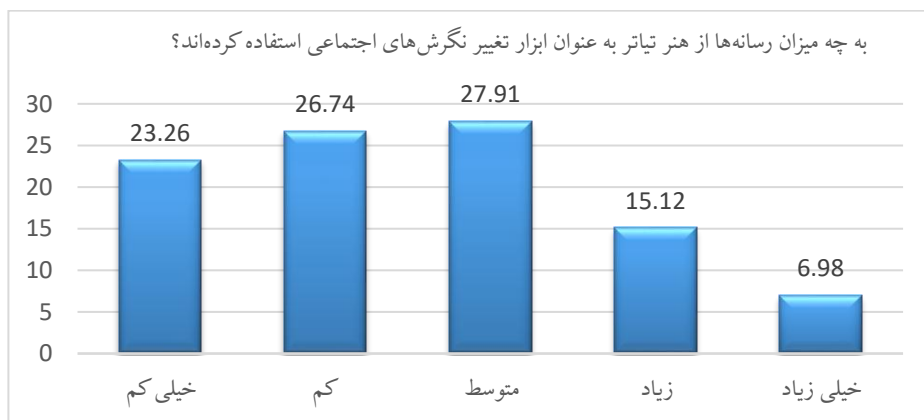
شکل ۸: تحلیل نتایج پرسش ۴

با توجه به شکل (۹) در تحلیل تأثیر مشکلات مالی بر توسعه ی هنر تياتر در افغانستان، نتایج نشان می دهد که (۳۷،۲٪) به این اعتقاد دارند که مشکلات مالی خیلی زیاد مانع توسعه این هنر شده است، (۳۶٪) از افراد بر این باورند که این مشکلات زیاد تأثیرگذار بوده اند. از سوی دیگر (۵٪) مشکلات مالی را متوسط و (۱۱،۶٪) آن را کم تحلیل کرده اند. در نهایت (۳۰،۵٪) اعتقاد دارند که مشکلات مالی تأثیر خیلی کمی بر توسعه هنر تياتر در افغانستان داشته است. این اطلاعات نشان دهنده این است که اکثریت پاسخ دهندگان معتقدند که مشکلات مالی به شدت بر توسعه هنر تياتر تأثیرگذار بوده است. این موضوع می تواند به عنوان یک چالش جدی برای پیشرفت هنر تياتر در کشور مطرح شود و نیاز به توجه و برنامه ریزی های مالی مناسب را نشان می دهد.



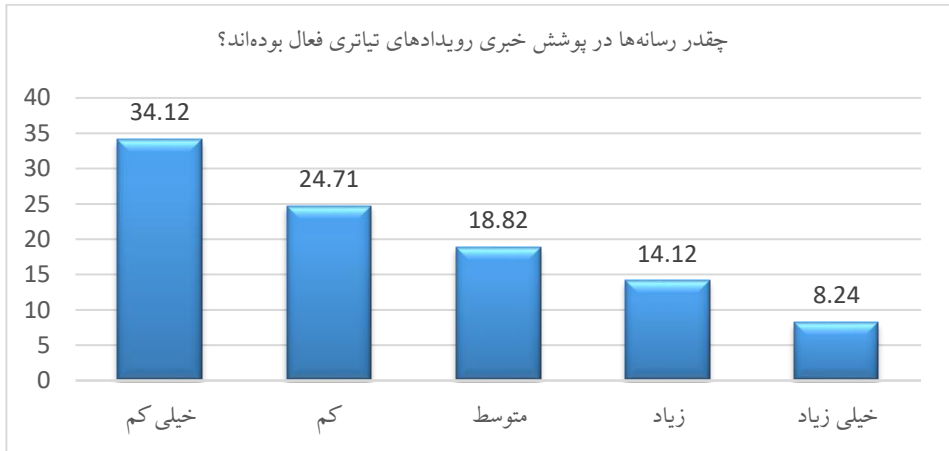
شکل ۹: تحلیل نتایج پرسش ۵

با توجه به شکل (۱۰) در تحلیل تأثیر رسانه‌ها بر استفاده از هنر تیاتر به عنوان ابزاری برای تغییر نگرش‌های اجتماعی، نتایج نشان می‌دهد که (۲۳،۳٪) از پاسخ‌دهندگان معتقدند که رسانه‌ها از این هنر خیلی کم به عنوان ابزاری برای تغییر نگرش‌های اجتماعی استفاده کرده‌اند. همچنین (۲۶،۷٪) از افراد بر این باورند که استفاده از تیاتر توسط رسانه‌ها کم بوده و (۲۷،۹٪) آن را متوسط تحلیل کرده‌اند. در مقابل (۱۵،۱٪) از پاسخ‌دهندگان اعتقاد دارند که رسانه‌ها از هنر تیاتر زیاد به عنوان ابزاری برای تغییر نگرش‌های اجتماعی بهره‌برداری کرده‌اند. تنها (۷٪) از افراد نیز به این باورند که استفاده از تیاتر در این زمینه خیلی زیاد بوده است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که اکثریت پاسخ‌دهندگان حدود (۵۰٪) به این باورند که رسانه‌ها از هنر تیاتر به طور محدود استفاده کرده‌اند. این وضعیت می‌تواند نشان‌دهنده نیاز به افزایش آگاهی و استفاده مؤثرتر از هنر تیاتر به عنوان ابزاری برای تغییر نگرش‌های اجتماعی باشد.



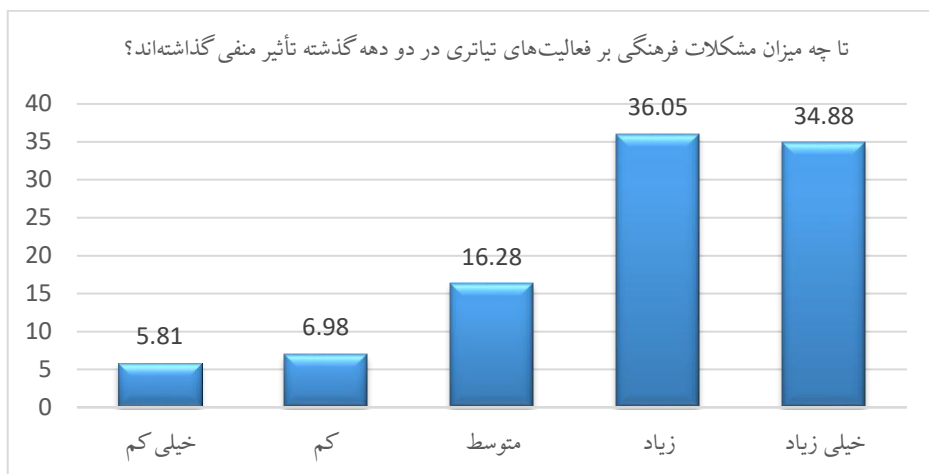
شکل ۱۰: تحلیل نتایج پرسش ۶

با توجه به شکل (۱۱) در تحلیل فعالیت رسانه‌ها در پوشش خبری رویدادهای تياتری، نتایج نشان می‌دهد که (۳۳،۷٪) از پاسخ‌دهندگان معتقدند که رسانه‌ها در این زمینه خیلی کم فعال بوده‌اند. در ادامه (۲۴،۴٪) از افراد نظر دارند که فعالیت رسانه‌ها کم بوده و (۱۸،۶٪) آن را متوسط تحلیل کرده‌اند. در مقابل (۱۴٪) از پاسخ‌دهندگان اعتقاد دارند که رسانه‌ها در پوشش خبری رویدادهای تياتری زیاد فعالیت کرده‌اند. تنها (۸،۱٪) از افراد نیز به این باورند که فعالیت رسانه‌ها در این زمینه خیلی زیاد بوده است. به طور کلی این اطلاعات نشان می‌دهد که اکثریت پاسخ‌دهندگان حدود (۵۸،۸٪) به این باورند که رسانه‌ها در پوشش خبری رویدادهای تياتری فعال نبوده‌اند. این وضعیت می‌تواند نشان‌دهنده نیاز به افزایش توجه و پوشش خبری در این حوزه باشد تا رویدادهای تياتری به درستی و به طور گسترده‌تری معرفی شوند.



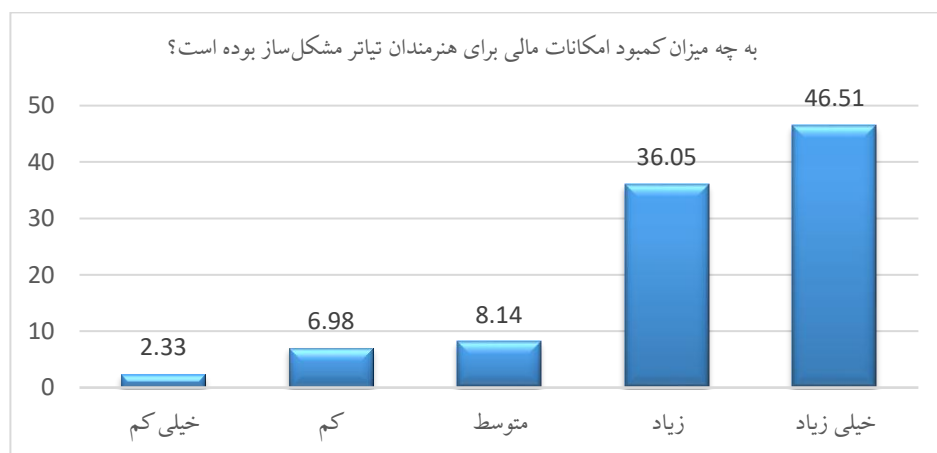
شکل ۱۱: تحلیل نتایج پرسش ۷

با توجه به شکل (۱۲) در تحلیل تأثیر مشکلات فرهنگی بر فعالیت‌های تياتری در دو دهه‌ی گذشته، نتایج به وضوح نشان‌دهنده‌ی یک تأثیر منفی قابل توجه هستند. بر اساس نتایج یافته‌ها (۵۸٪) از پاسخ‌دهندگان معتقدند که مشکلات فرهنگی خیلی کم بر فعالیت‌های تياتری تأثیر گذاشته‌اند. به دنبال آن (۷٪) از افراد به این باورند که تأثیر این مشکلات کم بوده است. در حالی که (۱۶۳٪) آن را متوسط تحلیل کرده‌اند. در مقابل اکثریت قابل توجهی از پاسخ‌دهندگان به این نتیجه رسیده‌اند که مشکلات فرهنگی تأثیر منفی قابل توجهی بر فعالیت‌های تياتری داشته‌اند؛ طوری که (۳۶٪) از افراد تأثیر این مشکلات را زیاد و (۳۴۹٪) آن را خیلی زیاد تحلیل کرده‌اند. به‌طور کلی این نتایج نشان می‌دهند که بیش از (۷۰٪) تأثیرات منفی مشکلات فرهنگی را بر فعالیت‌های تياتری در افغانستان در دو دهه‌ی گذشته شناسایی کرده‌اند. این واقعیت می‌تواند بر لزوم توجه به برنامه‌های فرهنگی هنرمندان و رویدادهای تياتری تأکید کند تا شرایط مناسبی برای رشد و پیش‌رفت این هنر در کشور فراهم شود.



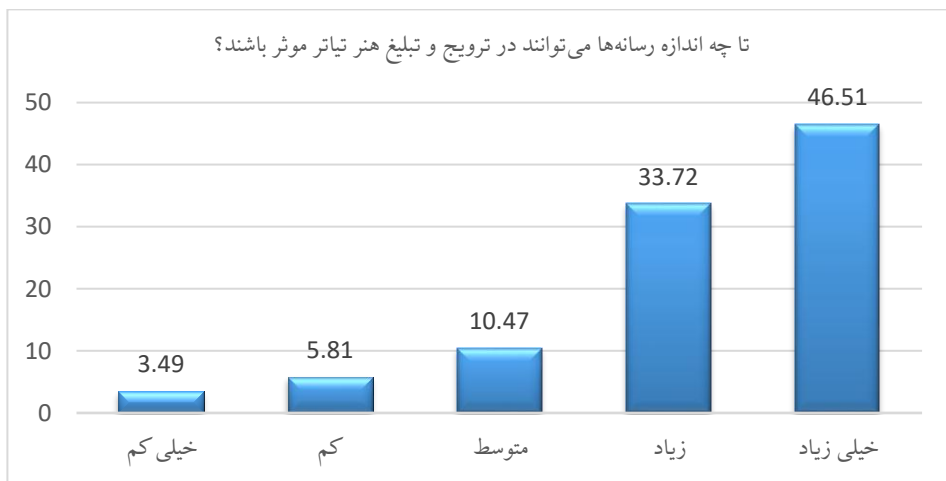
شکل ۱۲: تحلیل نتایج پرسش ۱

با توجه به شکل (۱۳) در تحلیل تأثیر کمبود امکانات مالی بر هنرمندان تیاتر، نتایج نشان‌دهنده‌ی یک چالش جدی برای این هنرمندان است. بر اساس اطلاعاتی جمع‌آوری شده تنها (۲.۳%) و (۷%) از پاسخ‌دهندگان معتقدند که کمبود امکانات مالی خیلی کم بر فعالیت‌های هنرمندان تأثیر داشته است. در حالی که (۸.۱%) آن را متوسط تحلیل کرده‌اند. اما در مقابل (۳۶%) از افراد تأثیر این مشکل را زیاد و (۴۶.۵%) آن را خیلی زیاد تحلیل کرده‌اند. به‌طور کلی این نتایج نشان می‌دهد که بیش از (۸۲%) معتقدند که کمبود امکانات مالی برای هنرمندان تیاتر در افغانستان یک چالش جدی و مشکل‌ساز بوده است.



شکل ۱۳: تحلیل نتایج سوال نهم پرسشنامه

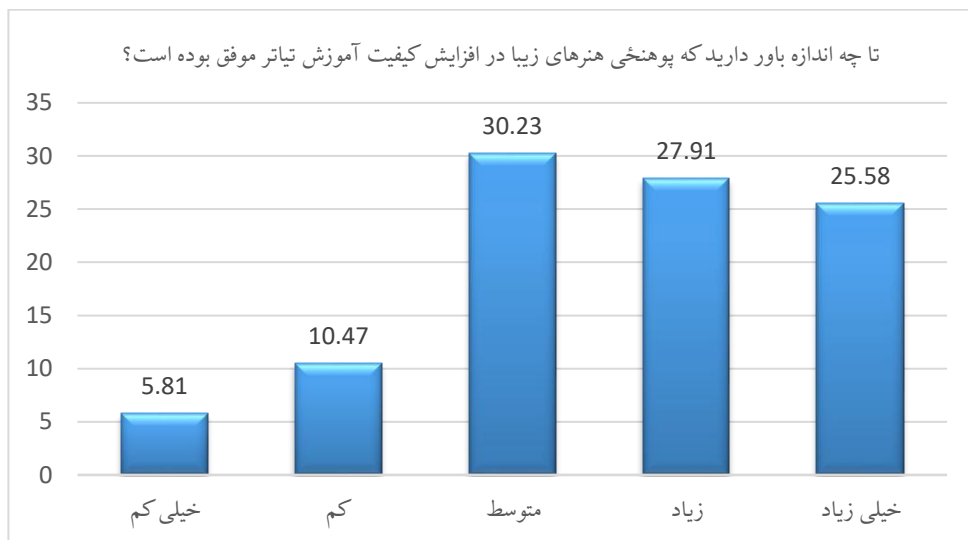
با توجه به شکل (۱۴) در تحلیل تأثیر رسانه‌ها در ترویج و تبلیغ هنر تیاتر، بر اساس نتایج جمع‌آوری شده تنها (۳.۵%) و (۵.۸%) افراد معتقدند که رسانه‌ها تأثیر خیلی کمی در ترویج هنر تیاتر دارند، در حالی که (۱۰.۵%) تأثیر رسانه‌ها را متوسط می‌دانند. اما اکثریت قریب به اتفاق پاسخ‌دهندگان حدود (۸۰%) معتقدند که رسانه‌ها در ترویج و تبلیغ هنر تیاتر نقش مؤثری دارند؛ به‌طوری که (۳۳.۷%) از افراد تأثیر آن را زیاد و (۴۹.۵%) تأثیر آن را خیلی زیاد تحلیل کرده‌اند. به‌طور کلی این نتایج نشان می‌دهد که رسانه‌ها می‌توانند به‌عنوان یک ابزار مؤثر در ترویج و تبلیغ هنر تیاتر عمل کنند و نیاز به تقویت این همکاری میان رسانه‌ها و هنرمندان تیاتر را بیش‌ازپیش ضروری می‌سازند.



شکل ۱۴: تحلیل نتایج پرسش ۹

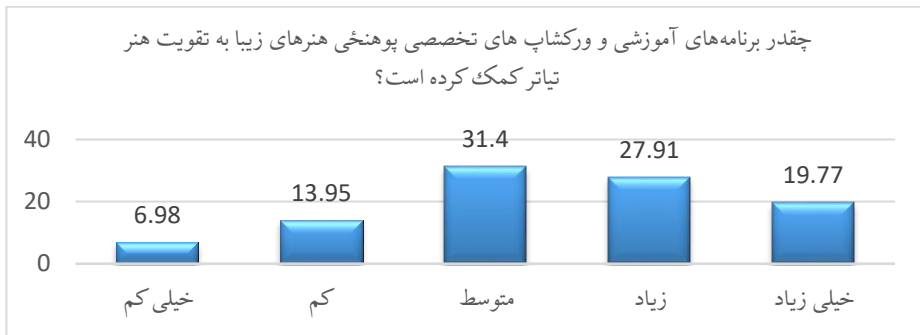
با توجه به شکل (۱۵) در تحلیل تأثیر پوهنخی هنرهای زیبا بر افزایش کیفیت آموزش تیاتر، نتایج به‌دست آمده نشان‌دهنده این است که دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه وجود دارد. بر اساس اطلاعاتی جمع‌آوری شده، تنها (۵.۸%) از پاسخ‌دهندگان معتقدند که تأثیر پوهنخی هنرهای زیبا در افزایش کیفیت آموزش تیاتر خیلی کم است. در حالی که (۱۰.۵%) از افراد تأثیر آن را کم تحلیل کرده‌اند. تعدادی قابل توجهی از پاسخ‌دهندگان یعنی (۳۰.۲%) تأثیر پوهنخی را متوسط می‌دانند. همچنین (۲۷.۹%) از افراد معتقدند که این نهاد آکادمیک تأثیر زیادی در کیفیت آموزش تیاتر داشته است، و (۲۵.۶%) دیگر تأثیر آن را خیلی زیاد تحلیل کرده‌اند. به‌طور کلی این نتایج نشان می‌دهند که اکثر پاسخ‌دهندگان به نوعی بر این باورند که پوهنخی هنرهای زیبا می‌تواند نقش مؤثری در بهبود

کیفیت آموزش تیاتر ایفا کند، و این امر نیازمند توجه و بهبود مستمر است تا بتوان به اهداف آموزشی در این حوزه دست یافت.



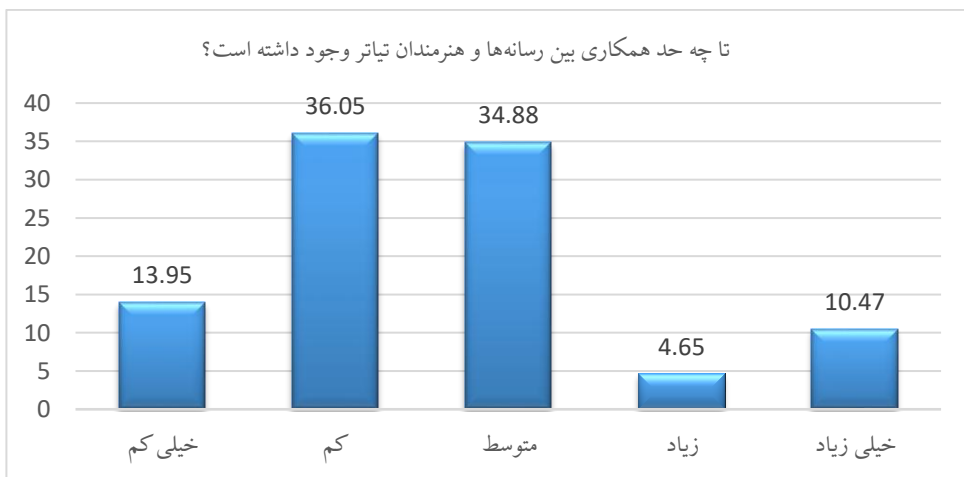
شکل ۱۵: تحلیل نتایج پرسش ۱۰

با توجه به شکل (۱۶) در تحلیل تأثیر برنامه‌های آموزشی و ورکشاپ‌های تخصصی پوهنځی هنرهای زیبا بر تقویت هنر تیاتر، نتایج به‌دست آمده نشان‌دهنده‌ی تنوع نظرات در این زمینه است. بر اساس نتایج یافته‌ها، (۷۰٪) از پاسخ‌دهندگان معتقدند که تأثیر این برنامه‌ها خیلی کم بوده است، در حالی که (۱۴۰٪) از افراد تأثیر آنها را کم تحلیل کرده‌اند. تعدادی بزرگی از پاسخ‌دهندگان یعنی (۳۱۴٪) تأثیر این برنامه‌ها را متوسط می‌دانند. همچنین (۲۷۹٪) از پاسخ‌دهندگان بر این باورند که این برنامه‌ها تأثیر زیادی در تقویت هنر تیاتر داشته‌اند، و (۱۹۸٪) دیگر تأثیر آن را خیلی زیاد تحلیل کرده‌اند. به‌طور کلی این نتایج نشان می‌دهند که اکثر پاسخ‌دهندگان به نوعی بر این باورند که برنامه‌های آموزشی و ورکشاپ‌های تخصصی پوهنځی هنرهای زیبا نقش مهمی در تقویت هنر تیاتر ایفا کرده و می‌تواند به پیش‌رفت این هنر در افغانستان کمک کند. این امر نشان‌دهنده‌ی نیاز به استمرار و بهبود این برنامه‌ها برای افزایش کیفیت و کارایی در آموزش هنر تیاتر است.



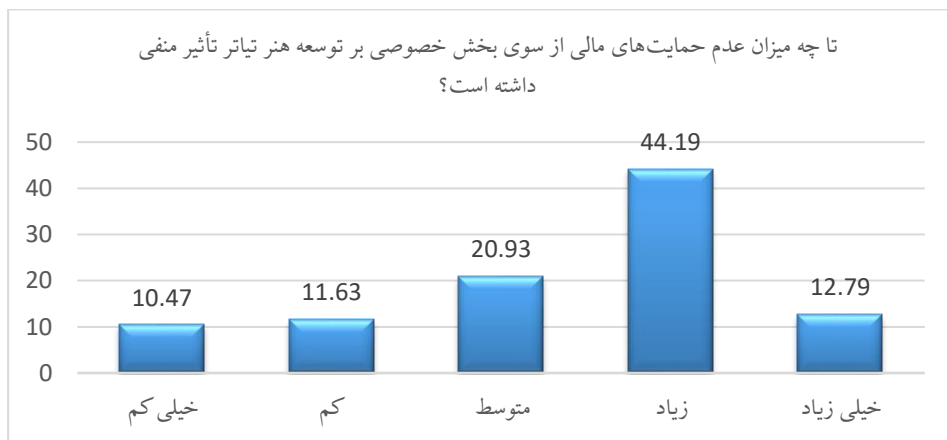
شکل ۱۶: تحلیل نتایج پرسش ۱۱

با توجه به شکل (۱۷) نتایج مربوط به همکاری بین رسانه‌ها و هنرمندان تیاتر نشان‌دهنده تنوع نظرها در این زمینه است. بر اساس نتایج (۱۴.۰٪) از پاسخ‌دهندگان معتقدند که همکاری بین رسانه‌ها و هنرمندان تیاتر خیلی کم بوده است. همچنین (۳۶.۰٪) از افراد همکاری را کم تحلیل کرده‌اند. تعدادی بزرگی از پاسخ‌دهندگان معادل (۳۴.۹٪) همکاری را متوسط تحلیل کرده‌اند. تعداد کمتری از افراد، یعنی (۴.۷٪) معتقدند که همکاری بین رسانه‌ها و هنرمندان تیاتر زیاد بوده است، در حالی که (۱۰.۵٪) از پاسخ‌دهندگان تأکید کرده‌اند که همکاری این دو بخش خیلی زیاد بوده است. این نتایج نشان می‌دهد که در بیشتر موارد همکاری بین رسانه‌ها و هنرمندان تیاتر در افغانستان به‌طور نسبی وجود داشته و همچنان قدرت‌های زیادی برای افزایش و بهبود این همکاری‌ها در جهت تقویت هنر تیاتر در کشور وجود دارد.



شکل ۱۷: تحلیل نتایج پرسش ۱۲

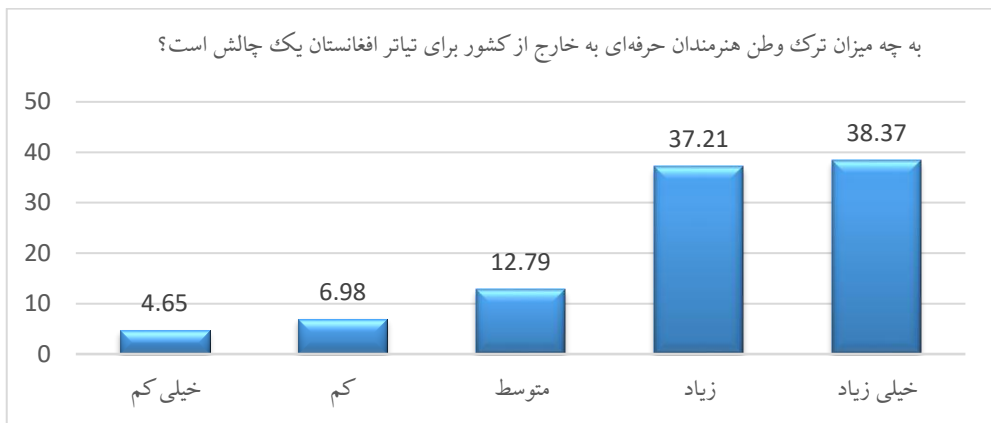
باتوجه به شکل (۱۸) نتایج مربوط به تأثیر عدم حمایت‌های مالی از سوی بخش خصوصی بر توسعه‌ی هنر تیاتر نشان‌دهنده‌ی نگرانی‌های موجود در این زمینه است. براساس نتایج بدست آمده، (۱۰.۵٪) از پاسخ‌دهندگان معتقدند که تأثیر عدم حمایت‌های مالی خیلی کم بوده است، در حالی که (۱۱.۶٪) از افراد این تأثیر را کم تحلیل کرده‌اند. تعدادی دیگری، معادل (۲۰.۹٪) تأثیر را متوسط تحلیل کرده‌اند. اما بخش قابل توجهی از پاسخ‌دهندگان یعنی (۴۴.۲٪) تأکید کرده‌اند که عدم حمایت‌های مالی بر توسعه هنر تیاتر زیاد تأثیر منفی داشته است. همچنین (۱۲.۸٪) از افراد به این نکته اشاره کرده‌اند که این تأثیر خیلی زیاد بوده است. این نتایج به وضوح نشان می‌دهند که عدم حمایت مالی از سوی بخش خصوصی یکی از چالش‌های جدی در توسعه هنر تیاتر در افغانستان است و نیاز به توجه و سرمایه‌گذاری بیش‌تری در این زمینه احساس می‌شود.



شکل ۱۸: تحلیل نتایج پرسش ۱۳

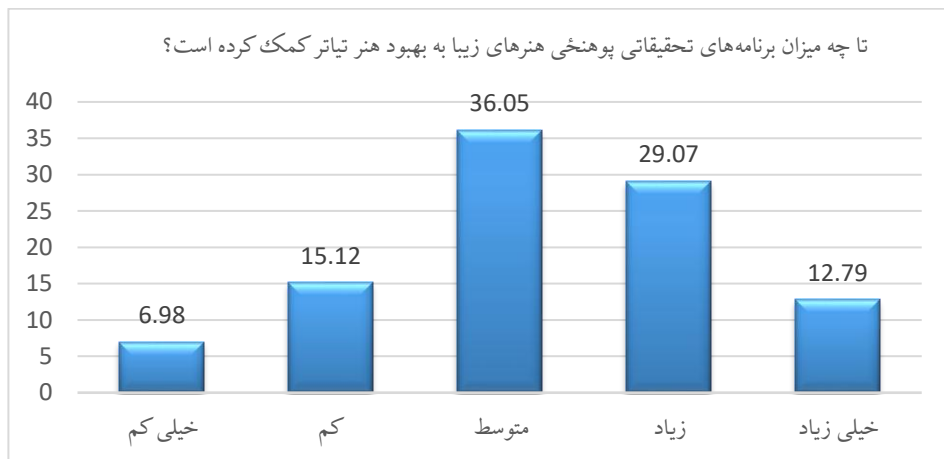
با توجه به شکل (۱۹) نتایج مربوط به تأثیر ترک وطن هنرمندان حرفه‌ای به خارج از کشور بر هنر تیاتر افغانستان نشان‌دهنده یک چالش جدی در این حوزه است. بر اساس اطلاعاتی جمع‌آوری شده، (۴.۷٪) از پاسخ‌دهندگان معتقدند که تأثیر ترک وطن هنرمندان خیلی کم بوده است. همچنین (۷.۰٪) از افراد تأثیر آن را کم تحلیل کرده‌اند. تعدادی قابل توجهی، معادل (۱۲.۸٪) این تأثیر را متوسط دانسته‌اند. اما بخش عمده‌ای از پاسخ‌دهندگان یعنی (۳۷.۲٪) بر این باورند که ترک وطن هنرمندان به زیاد بر هنر تیاتر افغانستان تأثیر گذاشته است. همچنین (۳۸.۴٪) دیگر، این تأثیر را خیلی زیاد تحلیل کرده‌اند. این نتایج به وضوح نشان‌دهنده آن هستند که ترک وطن هنرمندان حرفه‌ای به خارج از کشور یکی از چالش‌های جدی در عرصه تیاتر افغانستان به شمار می‌آید. این موضوع

می تواند منجر به کاهش تنوع و کیفیت هنر تیاتر در کشور شود و نیاز به راه کارهای جدی برای حمایت از هنرمندان و جلوگیری از رفتن آنان احساس می شود.



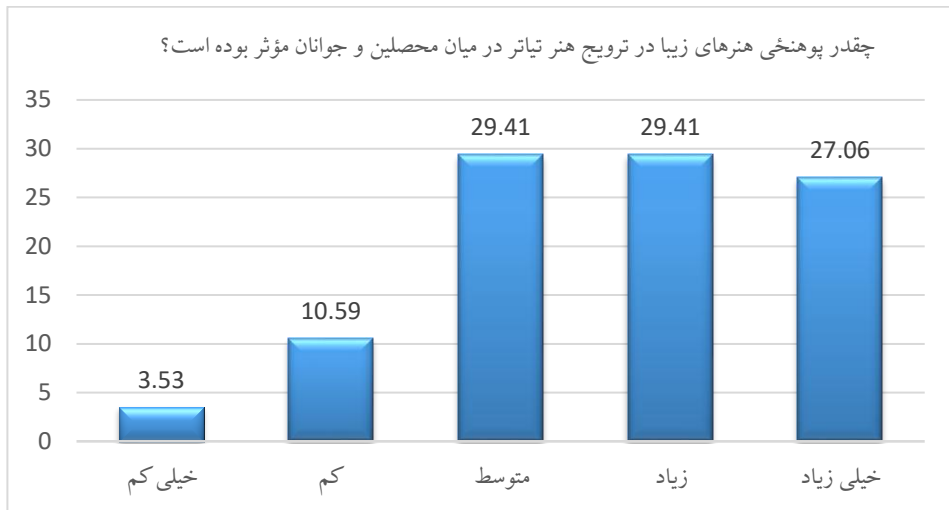
شکل ۱۹: تحلیل نتایج پرسش ۱۴

با توجه به شکل (۲۰) نتایج مربوط به تأثیر برنامه های تحقیقاتی پوهنخی هنرهای زیبا بر بهبود هنر تیاتر نشان دهنده نظرات متنوعی از پاسخ دهندگان است. بر اساس اطلاعاتی جمع آوری شده (۷۰٪) از پاسخ دهندگان معتقدند که این برنامه ها تأثیر خیلی کمی داشته اند. همچنین (۱۵.۱٪) دیگر بر این باورند که تأثیر آن کم بوده است. تعدادی قابل توجهی، معادل (۳۶.۰٪) این تأثیر را متوسط تحلیل کرده اند. در عوض، (۲۹.۱٪) از پاسخ دهندگان معتقدند که برنامه های تحقیقاتی به زیاد به بهبود هنر تیاتر کمک کرده اند. در نهایت، (۱۲.۸٪) دیگر این تأثیر را خیلی زیاد تحلیل کرده اند. این نتایج نشان می دهد که در حالی که تعدادی از پاسخ دهندگان تأثیر برنامه های تحقیقاتی را مثبت تحلیل می کنند، هنوز تعدادی معتقدند که این تأثیر کمتر از حد انتظار است. بنابراین، نیاز به تقویت و بهبود این برنامه ها و تمرکز بر جنبه های مختلف هنر تیاتر احساس می شود تا بتوانند به بهبود کیفیت و تنوع تیاتر در افغانستان کمک کنند.



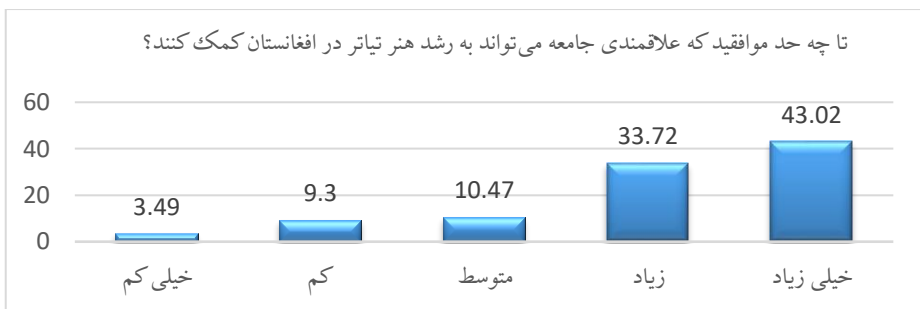
شکل ۲۰: تحلیل نتایج پرسش ۱۵

با توجه به شکل (۲۱) نتایج مربوط به تأثیر پوهنخی هنرهای زیبا در ترویج هنر تیاتر در میان محصلین و جوانان نشان‌دهنده نظرات متفاوتی از پاسخ‌دهندگان است. بر اساس اطلاعاتی جمع‌آوری شده (۳.۵٪) از پاسخ‌دهندگان تأثیر پوهنخی را در این زمینه خیلی کم تحلیل کرده‌اند. همچنین (۱۰.۵٪) دیگر معتقدند که تأثیر آن کم بوده است. تعدادی قابل توجهی، معادل (۲۹.۱٪) این تأثیر را متوسط تحلیل کرده‌اند. به علاوه (۲۹.۱٪) دیگر از پاسخ‌دهندگان بر این باورند که تأثیر این پوهنخی زیاد است. در نهایت (۲۶.۷٪) از پاسخ‌دهندگان تأثیر این نهاد را خیلی زیاد دانسته‌اند. این نتایج نشان می‌دهد که در حالی که تعدادی از پاسخ‌دهندگان تأثیر پوهنخی هنرهای زیبا را مثبت تحلیل می‌کنند، برخی دیگر معتقدند که این تأثیر ممکن است کمتر از حد انتظار باشد. بنابراین، توجه به نیازهای محصلین و جوانان و ارتقاء برنامه‌های آموزشی می‌تواند به افزایش تأثیر این نهاد در ترویج هنر تیاتر کمک کند.



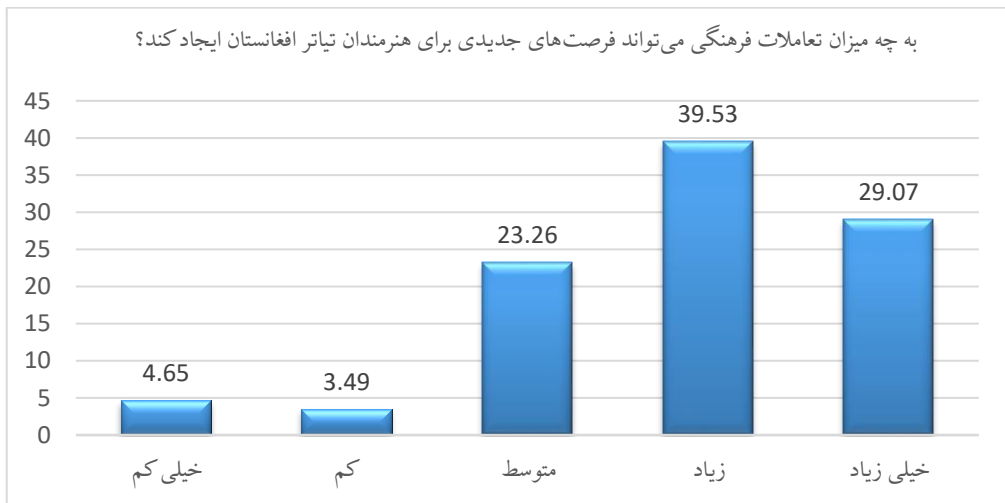
شکل ۲۱: تحلیل نتایج پرسش ۱۶

با توجه به شکل (۲۲) نتایج مربوط به تأثیر علاقه‌مندی جامعه بر رشد هنر تیاتر در افغانستان نشان‌دهنده نظرات متنوعی از پاسخ‌دهندگان است. بر اساس اطلاعاتی جمع‌آوری‌شده (۳.۵٪) از پاسخ‌دهندگان تأثیر علاقه‌مندی جامعه را بر رشد هنر تیاتر خیلی کم تحلیل کرده‌اند. همچنین (۹.۳٪) دیگر معتقدند که این تأثیر کم بوده است. به علاوه (۱۰.۵٪) از پاسخ‌دهندگان این تأثیر را متوسط تحلیل کرده‌اند. در مقابل (۳۳.۷٪) دیگر معتقدند که علاقه‌مندی جامعه می‌تواند به رشد هنر تیاتر زیاد کمک کند. نهایتاً (۴۳٪) از پاسخ‌دهندگان تأثیر این علاقه‌مندی را خیلی زیاد دانسته‌اند. این نتایج نشان می‌دهد که اکثریت پاسخ‌دهندگان بر این باورند که علاقه‌مندی جامعه نقش مهمی در رشد هنر تیاتر در افغانستان ایفا می‌کند. بنابراین، تقویت این علاقه‌مندی از طریق برنامه‌های آموزشی، فعالیت‌های فرهنگی، و ترویج تیاتر می‌تواند به پیشرفت این هنر کمک شایانی نماید.



شکل ۲۲: تحلیل نتایج پرسش ۱۷

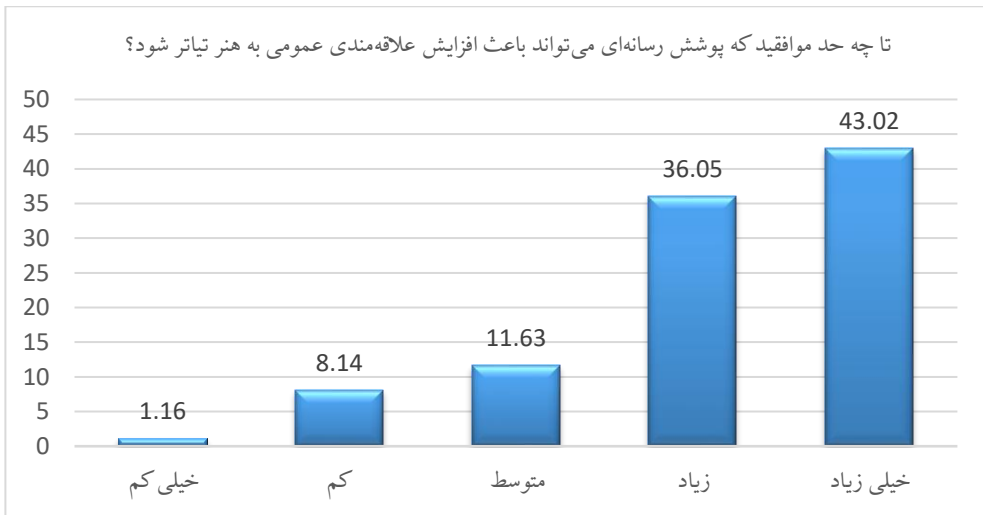
با توجه به شکل (۲۳) نتایج مربوط به تأثیر تعاملات فرهنگی بر ایجاد فرصت‌های جدید برای هنرمندان تیاتر افغانستان نشان‌دهنده نظرات متنوعی از پاسخ‌دهندگان است. بر اساس اطلاعاتی جمع‌آوری شده (۴.۷٪) از پاسخ‌دهندگان تأثیر تعاملات فرهنگی را بر ایجاد فرصت‌های جدید خیلی کم تحلیل کرده‌اند. همچنین (۳.۵٪) دیگر معتقدند که این تأثیر کم بوده است. در حالی که (۲۳.۳٪) از پاسخ‌دهندگان این تأثیر را متوسط دانسته‌اند. به علاوه (۳۹.۵٪) دیگر معتقدند که تعاملات فرهنگی می‌تواند فرصت‌های جدید زیاد برای هنرمندان تیاتر فراهم کند. نهایتاً (۲۹.۱٪) از پاسخ‌دهندگان تأثیر این تعاملات را خیلی زیاد تحلیل کرده‌اند. این نتایج نشان می‌دهد که اکثریت پاسخ‌دهندگان بر این باورند که تعاملات فرهنگی نقش مؤثری در ایجاد فرصت‌های جدید برای هنرمندان تیاتر در افغانستان دارند. بنابراین، تشویق و تقویت این تعاملات می‌تواند به پیشرفت و توسعه هنر تیاتر در کشور کمک کند.



شکل ۲۳: تحلیل نتایج پرسش ۱۸

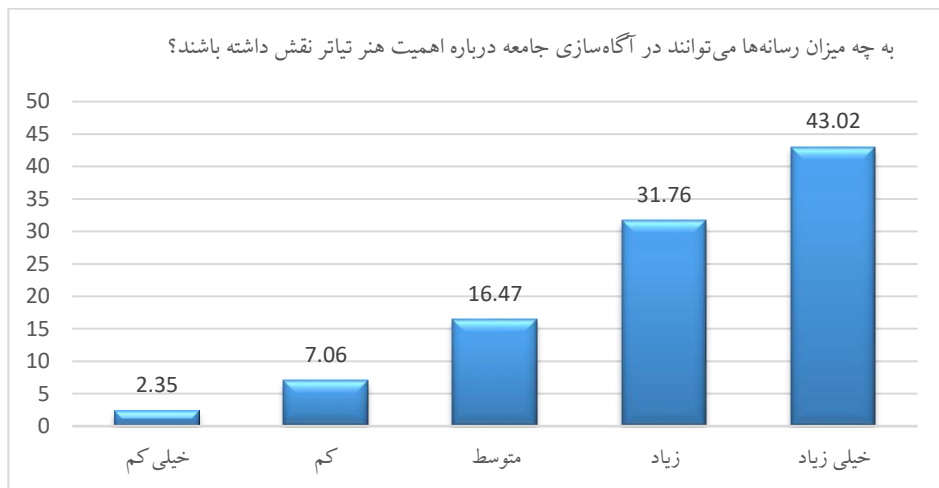
با توجه به شکل (۲۴) نتایج نظرسنجی درباره‌ی تأثیر پوشش رسانه‌ها بر افزایش علاقه‌مندی عمومی به هنر تیاتر نشان‌دهنده‌ی دیدگاه‌های متنوعی از پاسخ‌دهندگان است. طبق نتایج به‌دست آمده (۱.۲٪) از پاسخ‌دهندگان تأثیر پوشش رسانه‌ای را در افزایش علاقه‌مندی عمومی به هنر تیاتر خیلی کم تحلیل کرده‌اند. همچنین (۸.۱٪) دیگر معتقدند که این تأثیر کم بوده است. در حالی که (۱۱.۶٪) از پاسخ‌دهندگان این تأثیر را متوسط دانسته‌اند. از سوی دیگر (۳۶.۰٪) معتقدند که پوشش رسانه‌ای می‌تواند باعث افزایش علاقه‌مندی عمومی زیاد به هنر تیاتر شود. نهایتاً (۴۳.۰٪) از پاسخ‌دهندگان تأثیر پوشش رسانه‌ای را خیلی زیاد تحلیل کرده‌اند. این نتایج نشان می‌دهد که اکثریت پاسخ‌دهندگان

بر این باورند که پوشش رسانه‌ای می‌تواند به‌طور مؤثری به افزایش علاقه‌مندی عمومی به هنر تیاتر کمک کند. به این ترتیب، تقویت همکاری بین هنرمندان تیاتر و رسانه‌ها می‌تواند به ترویج و توسعه‌ی این هنر در جامعه کمک کند.



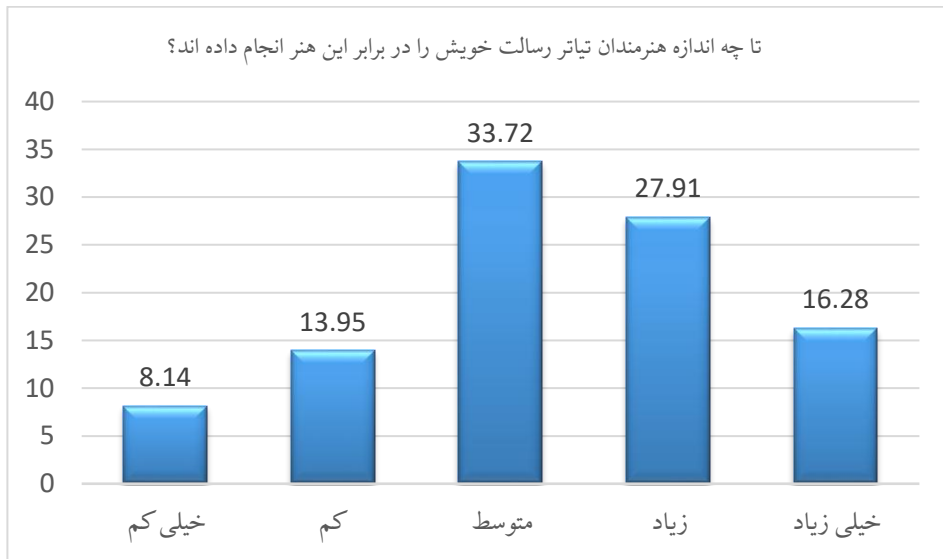
شکل ۲۴: تحلیل نتایج پرسش ۱۹

با توجه به شکل (۲۵) نتایج نظرسنجی درباره‌ی نقش رسانه‌ها در آگاه‌سازی جامعه درباره‌ی اهمیت هنر تیاتر نشان‌دهنده‌ی دیدگاه‌های متنوعی از پاسخ‌دهندگان است. طبق نتایج به‌دست آمده (۲۰.۳٪) از پاسخ‌دهندگان تأثیر رسانه‌ها در آگاه‌سازی جامعه را خیلی کم تحلیل کرده‌اند. همچنین (۷.۰٪) دیگر معتقدند که این تأثیر کم بوده است. در عوض (۱۶.۳٪) از پاسخ‌دهندگان این تأثیر را متوسط دانسته‌اند. از سوی دیگر (۳۱.۴٪) معتقدند که رسانه‌ها می‌توانند در آگاه‌سازی جامعه زیاد مؤثر باشند. نهایتاً (۴۱.۹٪) از پاسخ‌دهندگان تأثیر رسانه‌ها را در این زمینه خیلی زیاد تحلیل کرده‌اند. این نتایج نشان می‌دهد که اکثریت پاسخ‌دهندگان بر این باورند که رسانه‌ها می‌توانند نقش مؤثری در آگاه‌سازی جامعه درباره‌ی اهمیت هنر تیاتر ایفا کنند. بنابراین، تقویت همکاری و تعامل بین رسانه‌ها و هنرمندان تیاتر می‌تواند به ترویج و افزایش آگاهی جامعه درباره‌ی این هنر کمک کند.



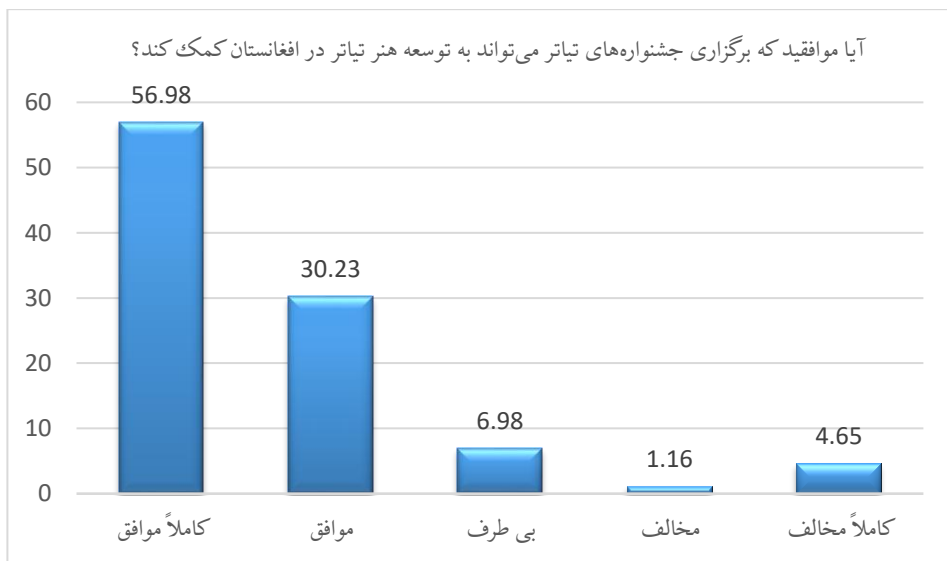
شکل ۲۵: تحلیل نتایج پرسش ۲۰

با توجه به شکل (۲۶) نتایج نظرسنجی درباره‌ی انجام رسالت هنرمندان تیاتر در برابر این هنر نشان‌دهنده‌ی نظرات متفاوتی از پاسخ‌دهندگان است. طبق اطلاعات (۸.۱٪) از پاسخ‌دهندگان معتقدند که هنرمندان تیاتر رسالت خود را خیلی کم انجام داده‌اند. همچنین (۱۴٪) دیگر این احساس را دارند که این انجام رسالت کم بوده است. در حالی که (۳۳.۷٪) از پاسخ‌دهندگان این انجام رسالت را متوسط تحلیل کرده‌اند. به علاوه (۲۷.۹٪) از پاسخ‌دهندگان معتقدند که هنرمندان تیاتر رسالت خود را زیاد انجام داده‌اند. نهایتاً (۱۶.۳٪) از پاسخ‌دهندگان این انجام رسالت را خیلی زیاد تحلیل کرده‌اند. این نتایج نشان می‌دهد که نظرات نسبتاً متنوعی در مورد میزان انجام رسالت هنرمندان تیاتر وجود دارد. به طور کلی اکثریت پاسخ‌دهندگان حدود (۶۰٪) معتقدند که انجام رسالت هنرمندان تیاتر در حد متوسط تا زیاد بوده است. این موضوع می‌تواند به نیاز به تقویت و حمایت بیش‌تر از هنرمندان در راستای ارتقای هنر تیاتر در افغانستان اشاره داشته باشد.



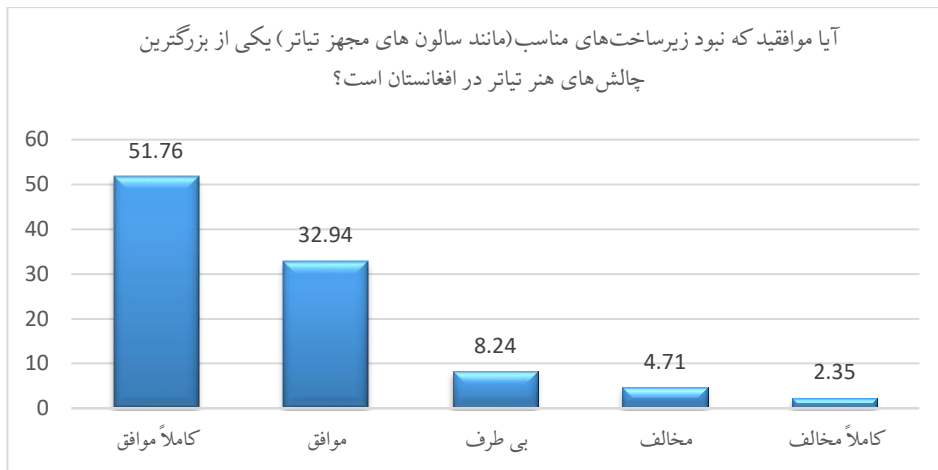
شکل ۲۶: تحلیل نتایج پرسش ۲۱

با توجه به شکل (۲۷) نتایج نظرسنجی درباره برگزاری جشنواره‌های تیاتر و تأثیر آن بر توسعه‌ی هنر تیاتر در افغانستان نشان‌دهنده‌ی حمایت قوی از این نظر است. این نتایج نشان می‌دهد که اکثریت پاسخ‌دهندگان حدود (۷۸٪) بر این باورند که برگزاری جشنواره‌های تیاتر می‌تواند نقش مهمی در توسعه‌ی هنر تیاتر در افغانستان ایفا کند. این حمایت می‌تواند به عنوان یک نشان‌مثبت برای برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در برگزاری این نوع جشنواره‌ها در آینده مدنظر قرار گیرد.



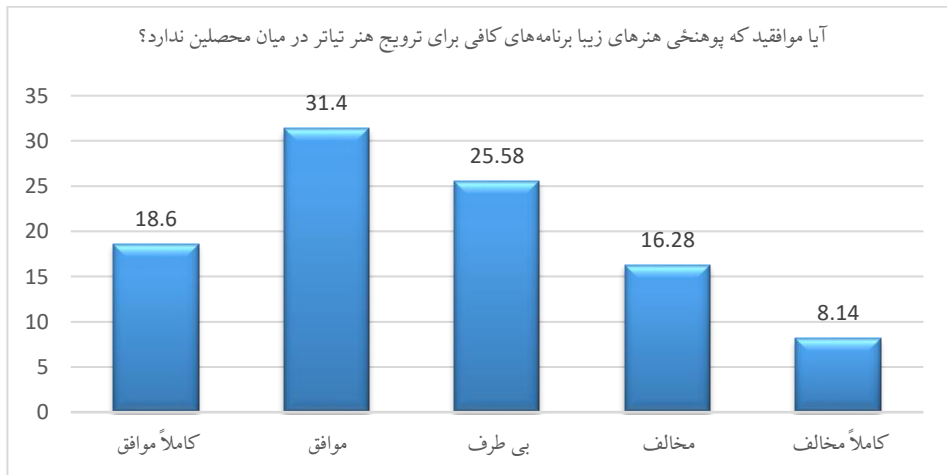
شکل ۲۷: تحلیل نتایج پرسش ۲۲

با توجه به شکل (۲۸) نتایج نظرسنجی درباره نبود زیرساخت‌های مناسب، مانند سالون‌های مجهز تیاتر، به عنوان یکی از بزرگترین چالش‌های هنر تیاتر در افغانستان نشان‌دهنده نگرانی جدی از سوی پاسخ‌دهندگان است. این نتایج نشان می‌دهد که بیش از (۸۴٪) از پاسخ‌دهندگان بر این باورند که نبود زیرساخت‌های مناسب می‌تواند مانع توسعه و پیشرفت هنر تیاتر در افغانستان شود. این نگرش می‌تواند به عنوان یک نشانه برای نهادهای ذیربط در جهت سرمایه‌گذاری و بهبود زیرساخت‌ها در هنر تیاتر مورد توجه قرار گیرد.



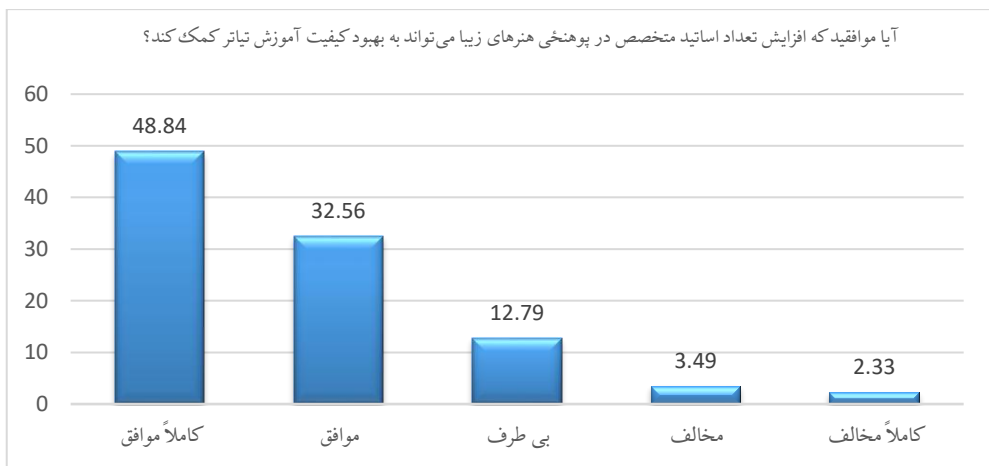
شکل ۲۸: تحلیل نتایج پرسش ۲۳

با توجه به شکل (۲۹) نتایج نظرسنجی درباره اینکه آیا پوهنخی هنرهای زیبا برنامه‌های کافی برای ترویج هنر تیاتر در میان محصلین دارد، به خوبی نشان‌دهنده نگرش‌های متفاوت پاسخ‌دهندگان است. نزدیک به (۵۰٪) از پاسخ‌دهندگان بر این باورند که پوهنخی هنرهای زیبا نیاز به بهبود در برنامه‌های ترویج هنر تیاتر دارد. این نتایج می‌تواند به عنوان یک اشاره به نهاد‌های زیربط و مسئولان در این حوزه تلقی شود تا به بررسی و تقویت برنامه‌های آموزشی و ترویجی خود بپردازند.



شکل ۲۹: تحلیل نتایج پرسش ۲۴

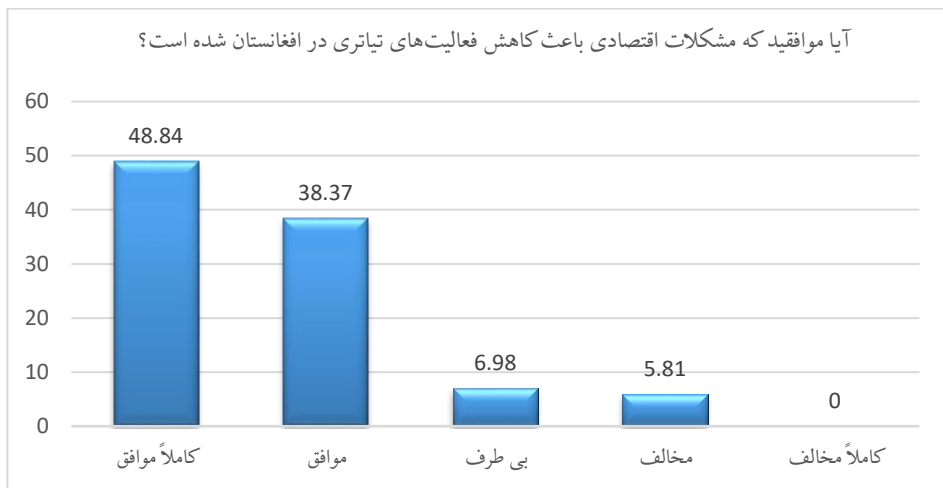
با توجه به شکل (۳۰) نتایج نظرسنجی درباره اینکه آیا افزایش تعداد اساتید متخصص در پوهنهای هنرهای زیبا می تواند به بهبود کیفیت آموزش تیاتر کمک کند، نشان دهنده اکثریت قاطع پاسخ دهندگان است. در مجموع نزدیک به (۸۱٪) از پاسخ دهندگان بر این باورند که افزایش تعداد اساتید متخصص می تواند تأثیر مثبت بر کیفیت آموزش تیاتر در پوهنهای هنرهای زیبا داشته باشد. این نتایج نشان دهنده نیاز به توجه بیشتر به جذب و آموزش اساتید متخصص در این حوزه است.



شکل ۳۰: تحلیل نتایج پرسش ۲۵

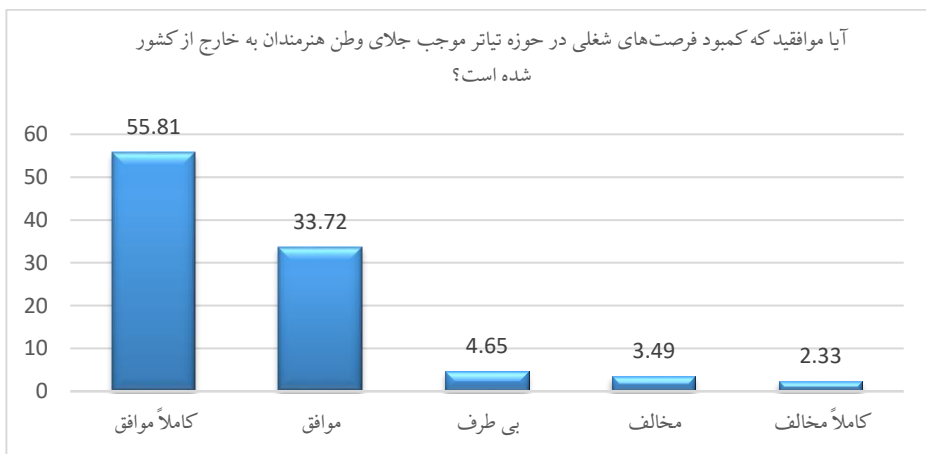
با توجه به شکل (۳۱) نتایج نظرسنجی درباره اینکه آیا مشکلات اقتصادی باعث کاهش فعالیت های تیاتری در افغانستان شده است، نشان دهنده اکثریت قاطع پاسخ دهندگان است. به طور کلی نزدیک به (۸۷،۲٪) از پاسخ دهندگان بر این باورند که مشکلات اقتصادی نقش مهمی در کاهش فعالیت های

تیاتری در افغانستان دارند. این نتایج نشان‌دهنده نیاز به توجه ویژه به وضعیت اقتصادی هنرمندان و صنعت تیاتر در کشور است.



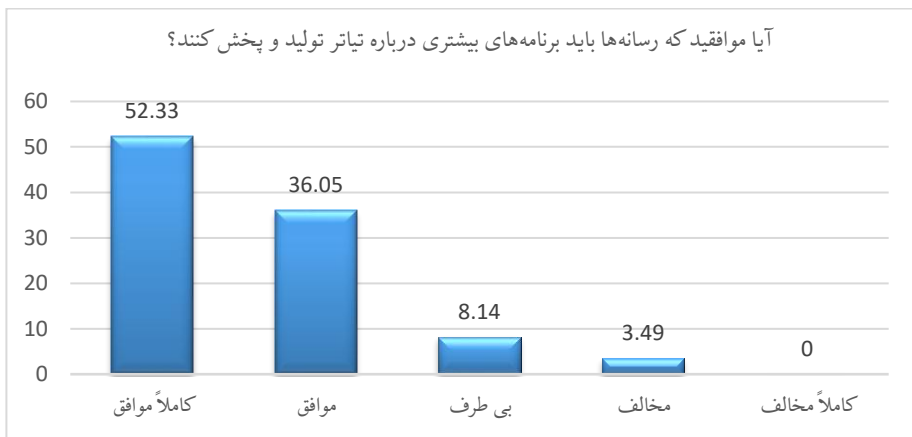
شکل ۳۱: تحلیل نتایج پرسش ۲۶

با توجه به شکل (۳۲) نتایج نظرسنجی درباره این که آیا کمبود فرصت‌های شغلی در حوزه تیاتر موجب ترک وطن هنرمندان به خارج از کشور شده است، نشان‌دهنده اکثریت قاطع پاسخ‌دهندگان است. به طور کلی نزدیک به (۸۹,۵%) از پاسخ‌دهندگان بر این باورند که کمبود فرصت‌های شغلی در حوزه تیاتر یکی از عوامل اصلی ترک وطن هنرمندان به خارج از کشور است. این نتایج نشان‌دهنده نیاز به بهبود وضعیت شغلی و اقتصادی هنرمندان در افغانستان است.



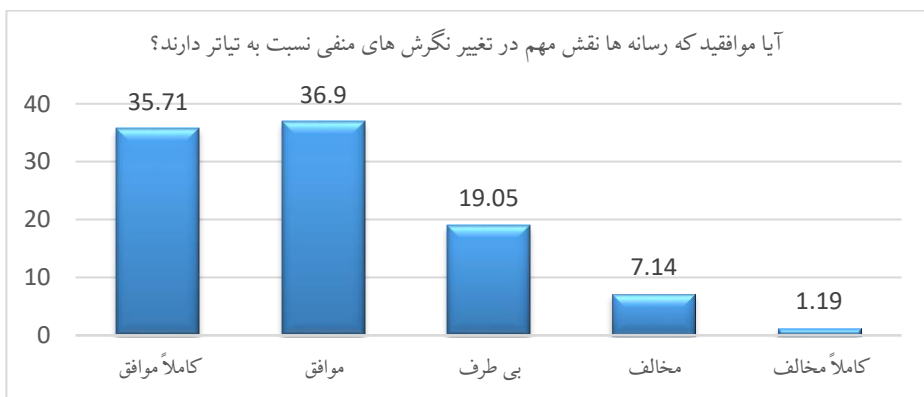
شکل ۳۲: تحلیل نتایج پرسش ۲۷

با توجه به شکل (۳۳) نتایج اطلاعات درباره این که آیا رسانه‌ها باید برنامه‌های بیشتری درباره تیاتر تولید و پخش کنند، نشان‌دهنده نظرات مثبت پاسخ‌دهندگان است، در مجموع نزدیک به (۸۸,۴%) از پاسخ‌دهندگان بر این باورند که رسانه‌ها باید توجه بیشتری به تولید و پخش برنامه‌های مرتبط با تیاتر داشته باشند. این نتایج نشان‌دهنده اهمیت رسانه‌ها در ترویج و توسعه هنر تیاتر در افغانستان است.



شکل ۳۳: تحلیل نتایج پرسش ۲۸

با توجه به شکل (۳۴) نتایج نظرسنجی درباره نقش رسانه‌ها در تغییر نگرش‌های منفی نسبت به تیاتر نشان‌دهنده نظرات مثبت پاسخ‌دهندگان است، به طور کلی نزدیک به (۷۰,۹%) از پاسخ‌دهندگان بر این باورند که رسانه‌ها می‌توانند در تغییر نگرش‌های منفی نسبت به تیاتر نقش مهمی ایفا کنند. این نتایج تأکید می‌کند که رسانه‌ها می‌توانند ابزار مؤثری در ترویج و بهبود نگرش جامعه نسبت به تیاتر باشند.



شکل ۳۴: تحلیل نتایج پرسش ۲۹

مقایسه وضعیت هنر تیاتر افغانستان با کشورهای همسایه

تجربیات کشورهای مختلف نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها نقش اساسی در توسعه هنرهای نمایشی دارد. برای مثال، کشورهای همسایه مانند ایران و هند با ایجاد پوهنتون‌های هنر، سالون‌های مجیز، و جشنواره‌های هنری توانسته‌اند هنر تیاتر را تقویت کنند. افغانستان در مقایسه با کشورهای که شرایط مشابهی دارند، مانند سوریه یا عراق، با چالش‌های بیشتری روبرو است. درحالی‌که این کشورها با وجود مشکلات فرهنگی، برنامه‌های مشخصی برای توسعه هنرهای نمایشی دارند، افغانستان هنوز فاقد حمایت‌های فرهنگی در جامعه است. این مقایسه نشان می‌دهد که ایجاد تغییرات ساختاری بر فرهنگ و کلتور جامعه ما ضروری است، با وجود چالش‌های متعدد، فرصت‌های قابل توجهی برای رشد هنر تیاتر در افغانستان وجود دارد. اما این فرصت‌ها تنها در صورت حل چالش‌هایی مانند کمبود بودجه، نبود زیرساخت‌های مناسب، و تغییر نگرش‌های اجتماعی قابل بهره‌برداری هستند.

مناقشه

با وجود این، یافته‌های تحقیق میدانی که بر پایه مصاحبه با ۸۶ تن از هنرمندان، اساتید و مسئولان فرهنگی و توزیع پرسش‌نامه در میان محصلین استوار است، نشان می‌دهد که ۷۰٪ از پاسخ‌دهندگان نبود بودجه و امکانات، و ۶۰٪ نیز فشارهای اجتماعی و فرهنگی را چالش‌های اصلی تیاتر افغانستان دانسته‌اند. همچنین، ۸۰٪ از پاسخ‌دهندگان وجود استعدادهای بالقوه را به عنوان فرصت مهم یادآوری کرده‌اند.

اما یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که پوهنخی هنرهای زیبا در دو دهه گذشته نتوانسته نقش مؤثری در رشد تیاتر ایفا کند. یافته‌های نظرسنجی نشان می‌دهد که ۵۰٪ از پاسخ‌دهندگان با این فرض موافق یا کاملاً موافق‌اند. به‌زعم آنان، کمبود بودجه، نبود برنامه‌های آموزشی مؤثر، و فاصله میان محتوای درسی و نیازهای عملی هنرمندان باعث شده است تا این نهاد نتواند محرک توسعه تیاتر باشد.

در این زمینه، جمشید (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «نقش نهادهای آکادمیک در تیاتر افغانستان» اشاره می‌کند که نهادهای آموزشی، علی‌رغم ظرفیت‌های بالقوه، به دلیل ساختار بوروکراتیک و محدودیت‌های اجرایی، نتوانسته‌اند از فرصت‌های آموزش رسمی به نفع تیاتر استفاده کنند. او نتیجه می‌گیرد که تنها اصلاح نظام آموزشی و استقلال برنامه‌ریزی درسی می‌تواند نجات‌بخش آموزش تیاتر در کشور باشد.

یافته ها نشان می‌دهد که چالش‌های اقتصادی و اجتماعی در دو دهه اخیر مانع رشد تیاتر در افغانستان شده‌اند. طبق نتایج نظرسنجی، ۸۷.۲٪ از پاسخ‌دهندگان موافق یا کاملاً موافق‌اند که مشکلات اقتصادی باعث کاهش فعالیت‌های تیاتری شده است. هنرمندان از نبود حمایت مالی و عدم وجود برنامه‌های فرهنگی شکایت دارند. همچنین، فشارهای اجتماعی و تبعیض فرهنگی از عوامل مؤثر بر این رکود یاد شده‌اند.

این نتایج با تحلیل برخی محققان در حوزه فرهنگ و هنر در مناطق بحرانی هم‌راستاست. آنان معتقدند که فقر، نبود زیرساخت‌ها و نبود سالن‌های مجهز، سه ضلع مثلث بحران برای هنرهای نمایشی‌اند و برای نجات آن‌ها باید به توسعه زیرساخت اجتماعی اندیشید (رونکای، ۱۴۰۱).

اما یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که رسانه‌ها در تغییر نگرش‌ها نسبت به تیاتر موفق نبوده‌اند. اما یافته‌ها نشان می‌دهد که این فرایند می‌شود. طبق نتایج، ۷۰.۹٪ از پاسخ‌دهندگان معتقدند که رسانه‌ها نقش مؤثری در تغییر نگرش منفی جامعه نسبت به تیاتر داشته‌اند. به باور آنان، رسانه‌های تصویری، شبکه‌های اجتماعی و حتی برخی رادیوهای محلی در معرفی تیاتر، ترویج نمایش‌ها و ایجاد تعامل میان هنرمندان و مخاطبان نقش مؤثری ایفا کرده‌اند.

برخی تحقیق‌ها نیز نشان می‌دهد که رسانه‌ها در کشورهایی مانند افغانستان، با وجود محدودیت‌ها، توانسته‌اند آگاهی عمومی نسبت به تیاتر را افزایش دهند و نوعی حافظه جمعی فرهنگی بسازند (ویلیامز، ۱۴۰۰).

از مجموع دیدگاه‌ها و یافته‌های تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که هنر تیاتر در افغانستان طی دو دهه‌ی اخیر با مجموعه‌ای از چالش‌ها و فرصت‌ها روبه‌رو بوده است. نبود بودجه، فشارهای اجتماعی از مهم‌ترین موانع توسعه این هنر بوده‌اند. با این حال، وجود استعدادهای جوان، افزایش ارتباطات جهانی، و نقش رسانه‌ها به عنوان فرصت‌هایی امیدبخش محسوب می‌شوند. برای توسعه پایدار تیاتر در افغانستان، نیاز به رویکردی جامع، حمایت‌های مالی و نهادی، اصلاح نظام آموزشی، و استفاده از رسانه‌ها به عنوان ابزار فرهنگی احساس می‌شود.

نتیجه‌گیری

با وجود تمام مشکلات، فرصت‌هایی که در دو دهه اخیر برای رشد تیاتر در افغانستان ایجاد شده، نشان‌دهنده ظرفیت بالای این هنر در توسعه فرهنگی و اجتماعی کشور است. با برنامه‌ریزی و حمایت‌های هدفمند، می‌توان این هنر را به عنوان یک ابزار مؤثر برای آگاهی‌بخشی و تحول اجتماعی تقویت کرد. هنر تیاتر در حقیقت بازتاب اندیشه و نمایانگر واقعیت‌های نکاویده زندگی انسان است. هنر تیاتر یک هنر زنده و مردمی است؛ چون با مخاطب خود به طور مستقیم ارتباط می‌گیرد و هنر تیاتر در تمام جهان پر از فراز و نشیب است؛ یعنی در هر کشور کمبود و کاستی‌های خود را دارد. تیاتر امروزی افغانستان مانند دیگر عرصه‌های هنر و فرهنگ این کشور با چالش و کاستی‌های زیاد دچار است. درحالی‌که هنر تیاتر یکی از موثرترین هنرهای اجتماعی به شمار می‌رود همه سعی و تلاش ما این است که بتوانیم برای ارتقای فرهنگ و فلسفه هنر کاری بتوانیم که این سعی و تلاش منجر به ارتقای کیفیت و بلند بردن سطح فرهنگ مردم اعم از بعد مادی و اعم از بعد معنوی می‌شود. برای تولید یک تیاتر خوب در افغانستان چالش‌های همچو نبود نویسنده نبود حمایت‌کننده در مقابل هنر تیاتر داریم که مانع ترقی و پیشرفت این هنر می‌شود. کم علاقمندی تماشاگران عام در تیاتر یکی از چالش‌های عمده در افغانستان است. پس بنده امیدوارم روزی این چالش‌ها خاتمه یابد و هنر تیاتر به قله‌های بلند جا بگیرد.

سپاسگزاری

مراتب سپاس و امتنان خویش را از استاد رهنمای گرامی پوهنوال مجتبی عارفی که با مشوره‌ها، هدایت‌های علمی و بررسی دقیق بخش‌هایی از مقاله همکاری نمودند ابراز می‌دارم. همچنین، از تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی که به‌گونه‌ای در روند تحقیق، تحلیل داده‌ها، یا فراهم‌سازی منابع علمی همکاری نموده‌اند، صمیمانه سپاس‌گزاری می‌شود. از اشراک‌کنندگان تحقیق که با صداقت و دقت به پرسش‌نامه پاسخ دادند نیز قدردانی می‌شود. بدون همکاری این عزیزان، انجام این تحقیق ممکن نمی‌بود.

تضاد منافع

بدین وسیله تأیید می‌گردد که هیچ‌گونه تضاد منافع علمی، مالی یا شخصی وجود ندارد.

منابع

- براکت، ا. (۱۳۶۶). *تاریخ تیاتر جهان* (هـ. آزادی‌ور، مترجم). تهران: انتشارات مروارید.
- بیضایی، ب. (۱۳۴۴). *نمایش در ایران*. تهران: انتشارات کاویان.
- بارفیلد، ت. (۲۰۱۰). *افغانستان: تاریخ فرهنگی و سیاسی*. دانشگاه پرینستون.
- پازوکی، ش. (۱۳۸۹). *نمایش در ایران*. تهران: انتشارات قطره.
- تاج‌زی، ا. (۱۳۸۹). *تیاتر در افغانستان از دیروز تا امروز*. کابل: بی‌نا.
- دعاگوی، م. (۱۳۶۹). *فراز و فرود تیاتر در افغانستان*. کابل: نشرات انجمن تیاتر.
- روشان، ع. (۱۳۹۶). *جشنواره تیاتر محصلین [بروشور]*. کابل: پوهن‌هی هنرهای زیبا، پوهنتون کابل.
- سجودی، م. (۱۳۸۴). *تیاتر در آسیا*. تهران: نشر قطره.
- شیرمرز، ر. (۱۳۸۹). *تیاتر معاصر آسیا*. تهران: نشر قطره.
- فرهاد، ع. (۱۳۹۳). *جشنواره تیاتر محصلین [بروشور]*. کابل: پوهن‌هی هنرهای زیبا، پوهنتون کابل.
- کارلسون، م. (۲۰۱۸). *تیاتر: یک معرفی بسیار کوتاه* (چاپ دوم). انتشارات دانشگاه آکسفورد.
- کریستف دسولیر، گ.، و لکرک، گ. (۱۳۸۱). *ماجرای‌های جاویدان تیاتر* (ن. همدانی، مترجم). تهران: نشر قطره.
- مخدوم، ر. (۱۳۹۱). *جشنواره تیاتر ملی [بروشور]*. کابل: پوهن‌هی هنرهای زیبا، پوهنتون کابل.
- هوتک، ا. (۱۳۹۳). *یادداشت‌هایی در مورد تیاتر*. کابل: گویتة انستیتوت، مطبعه اسد دانش.
- حسین‌زاده، م. (۱۳۸۵). *جشنواره تیاتر ملی [بروشور]*. کابل: پوهن‌هی هنرهای زیبا، پوهنتون کابل.
- حسین‌زاده، م. (۱۳۹۱). *تیاتر در مکاتب*. کابل: انستیتوت فرانسه و گویتة انستیتوت.
- صدیقی، م. (۱۳۹۳). *تیاتر مشارکتی و توانمندسازی زنان افغان*. فصلنامه جنسیت و توسعه، ۲۲(۲)، ۳۳۳-۳۴۹.
- <https://doi.org/10.1080/13552074.2014.920990>
- هرمان، آ. و خواج‌های، س. (۱۴۰۲). *اجرای تبعید: تیاتر افغان در مهاجرت*. پژوهش‌های تیاتر بین‌المللی، ۴۹(۱)، ۲۲-۳۹.
- <https://doi.org/10.1017/S0307883323000046>
- جمشید، ن. (۱۳۹۸). *نقش نهادهای آکادمیک در تیاتر افغانستان*. مطالعات فرهنگی افغانستان، ۷(۲)، ۴۴-۵۹.
- رحیمی، م. (۱۴۰۳). *اهمیت زیباشناسی در هنر تیاتر*. ژورنال علمی-تحقیقی علوم اجتماعی پوهنتون کابل، ۷(۳)، ۱۷۵-۱۵۹.
- <https://doi.org/10.5517/jss.v10.62810>
- روتکای، ج. (۱۴۰۱). *تیاتر تحت محاصره: هنرهای نمایشی در مناطق بحرانی*. فصلنامه بقاء فرهنگی، ۴۶(۱)، ۱۲-۱۷.
- ویلیامز، ت. (۱۴۰۰). *رسانه‌ها و هنرهای نمایشی در مناطق درگیر بحران*. سیاست فرهنگی بین‌الملل، ۲۷(۳)، ۳۱۷-۳۳۴.
- <https://doi.org/10.1080/10286632.2020.1858891>
- Mjadadi, A. (2020). *Art for Peace: The Role of Performing Arts in Peacebuilding*. Kabul Publishing.
- Barfield, T. (2010). *Afghanistan: A Cultural and Political History*. Princeton University Press.
- Dupree, L. (1977). *Afghanistan*. Princeton University Press.
- UNESCO. (2015). *Promoting the Performing Arts in Afghanistan: Annual Report*.
- UNESCO. (2020). *The Role of Educational Institutions in the Development of the Performing Arts*.
- Smith, L., & Ahmad, Z. (2017). Theater for Social Change in Afghanistan. *Afghanistan Cultural Studies Journal*, 5(2), ۵۵-۶۰.
- Farahmand, H. (2019). Theater in Afghanistan: Opportunities and Global Interactions. *Journal of Performing Arts*.



- Habibi, A. (2021). The Role of Digital Media in Promoting Afghan Theater. *Afghanistan Art Review*.
- Creative Economy Report. (2013). *Expanding Local Development Pathways*. United Nations.
- Taherdoost, H. (2019). What is the best response scale for survey and questionnaire design? *International Journal of Academic Research in Management*, 8(1), 1.
- Likert, R. (1932). A technique for the measurement of attitudes. *Archives of Psychology*, 140, 1–55.